**صفحه دوم (سیاست خارجی ایران)**

**300 کلمه (ستون)**

**یدیعوت آحارونوت**

**یائیر ناوت**

**سود پوتین از حملات ایران و حزب‌الله به اسرائیل**

مسکو حمله موشکی بالستیک ایران به اسرائیل در اول اکتبر را نادیده گرفت و در عوض رژیم صهیونیستی را به دلیل ترور حسن نصرالله محکوم و به خاطر «تشدید تنش مورد انتظار» و متهم کردن آن به «قتل غیرنظامیان لبنانی» متهم کرد.

روسیه که حزب‌الله را یک گروه تروریستی نمی‌داند، به‌طور مرتب با رهبران آن، از جمله نصرالله تا زمان مرگش ارتباط داشت. هفته گذشته، میخائیل بوگدانوف، معاون وزیر امور خارجه روسیه، در دیدار با سفیر لبنان در مسکو، از عملیات زمینی اسرائیل در جنوب لبنان انتقاد و بر مخالفت کرملین با اقدامات این رژیم تاکید کرد.

درست قبل از حمله موشکی ایران، میخائیل میشوستین، نخست‌وزیر روسیه، از تهران بازدید و بر مشارکت راهبردی فزاینده بین مسکو و تهران در بحبوحه جنگ در اوکراین و تنش بین اسرائیل، حزب‌الله و ایران تاکید کرد.

این دیدار که شامل دیدار چهره به چهره با مسعود پزشکیان بود، بر افزایش فراوانی سفرهای بلندپایه روسیه به ایران با هدف تقویت روابط امنیتی تاکید کرد. به‌طور قابل‌توجهی، پوتین با یک مشارکت استراتژیک با تهران موافقت کرد.

این تشدید همکاری دو کشور به دلیل پیامدهای امنیتی آن نگرانی‌هایی را در اورشلیم ایجاد می‌کند.

گزارش‌های اطلاعاتی غرب نشان می‌دهد که ایران اخیرا موشک‌های بالستیک و پهپادهای روسیه را تامین کرده است.

اتکای روسیه به تهران این نگرانی غربی‌ها را افزایش می‌دهد که ممکن است مسکو دانش هسته‌ای را در ازای کمک‌های نظامی به اشتراک بگذارد.

موضع انتقادی مسکو در قبال اسرائیل با وابستگی نظامی فزاینده آن به ایران همسو است. تشدید تنش در غرب‌آسیا با منحرف کردن تمرکز غرب از اوکراین و هدایت مجدد منابع نظامی آمریکا به منافع روسیه خدمت می‌کند.

درگیری مستقیم ایران و اسرائیل ممکن است قیمت انرژی را در سطح جهانی افزایش دهد و از نظر مالی به‌نفع مسکو باشد و هم‌زمان به ایران، متحد استراتژیک، آسیب برساند و در نتیجه با منافع روسیه در تضاد باشد.

<ibit.ly/7Hf3u>

**850 کلمه (عکس‌دار) جلد**

**نشنال اینترست**

**بورچو اوزچلیک**

**ایران همچنان به نیابتی‌های خود اهمیت می‌دهد؟**

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای انتقام حملات اخیر اسرائیل که منجر به کشته شدن رهبران گروه‌های شبهه‌نظامی حزب‌الله و حماس و همچنین یکی از فرماندهان ارشد سپاه شد، 180 موشک در «عملیات وعده صادق 2» شلیک کرد. ایران مدعی است که این عملیات را در راستای «حق مشروع دفاع از خود بر اساس منشور ملل متحد» انجام داده است.

حمله مستقیم به اسرائیل به دلیل ترور رهبران شبهه‌نظامیان مرتبط با ایران، اعتراف بدیهی است. ایران می‌خواهد «محور مقاومت» خود را حفظ کند. شبکه‌ای از گروه‌های نیابتی به‌عنوان ستون استراتژی دفاعی ایران در غرب‌آسیا؛ عمق استراتژیک و دسترسی به مسیرهای تجاری تحریم‌کننده در سراسر عراق، لبنان و سوریه را فراهم می‌کند. ادعای ایران بر حق «دفاع از خود» نشان می‌دهد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ]آیت‌الله[ خامنه‌ای قوس منطقه‌ای بازیگران مسلح غیردولتی خود را بخشی از منافع اصلی امنیتی خود می‌دانند. چنین مقاصدی احتمالاً باعث اطمینان خاطر حزب‌الله آسیب‌دیده از حمایت تهران می‌شد. با این وجود، جایگاه حزب‌الله در چشم تهران از عنوان دارایی اصلی‌اش کاهش یافته است. علاوه بر این، حملات موشکی ایران، ایران را در برابر حملات متقابل اسرائیل آسیب‌پذیرتر کرده است.

برای به حداکثر رساندن درک موفقیت برای مخاطبان داخلی و متحدان منطقه‌ای خود، ایران به‌سرعت یک کارزار اطلاعات نادرست را از طریق کانال‌های دولتی و رسانه‌های اجتماعی بسیج کرد تا میزان تخریب‌های به دست آمده در اسرائیل را اغراق کند. سپاه پاسداران ادعا کرد که 90 درصد موشک‌های پرتاب‌‌‌‌شده با موفقیت به اهداف خود اصابت کرده است. درست است که برخی از موشک‌ها در خاک اسرائیل فرود آمدند، اما ارزیابی‌های اسرائیل و آمریکا به این نتیجه رسیدند که این حملات تلفات ‌‌‌قابل‌توجهی نداشته و اهداف نظامی به‌شدت آسیب ندیده‌اند. این حقایق بر روی قشر وسیعی از مردم ایران خاموش است.

حملات ایران به خاک اسرائیل الگوی رویارویی خصمانه آن‌ها را به سطح دولت به دولت ارتقا می‌دهد. با این حال، فاصله جغرافیایی ایران را به جنگ نیابتی علیه اسرائیل وابسته می‌کند و اسرائیل موظف است عملیات نظامی خود را برای از بین بردن این شبکه‌ها ادامه دهد.

هفته گذشته بعد از حمله ایران، بایدن از اسرائیل خواست تا «پاسخی متناسب» انجام دهد. اصل تناسب در جنگ و حقوق بین‌الملل برای محکوم کردن مرگ غیرنظامیان در انجام عملیات‌های جنگی مورد استناد قرار می‌گیرد. با این حال، معنای تناسب در دنیای واقعی، چالش‌هایی را ایجاد می‌کند. مقامات اسرائیلی به‌صراحت گفته‌اند که اسرائیل به‌عنوان یک کشور مستقل، حق ذاتی دارد تا علیه اقدام تجاوزکارانه ایران انتقام بگیرد.

در روز 29 سپتامبر، در یک بیانیه ویدیویی انگلیسی با زیرنویس فارسی، نخست‌وزیر اسرائیل، نتانیاهو مستقیماً از ایرانیان درخواست کرد: «اکثریت قریب به اتفاق ایرانیان می‌دانند که حکومت‌شان ذره‌ای به آن‌ها اهمیت نمی‌دهد. اگر اهمیت می‌داد، از هدر دادن میلیاردها دلار برای جنگ‌های بیهوده در سراسر غرب‌آسیا جلوگیری می‌کرد.»

اسرائیل ممکن است نشان دهد که در واکنش خود سایت‌های غیرنظامی را هدف قرار نخواهد داد و بین مردم ایران و حکومت تمایز قائل می‌شود، اما برای بسیاری از ایرانیانی که نظاره‌گر عملیات نظامی اسرائیل در غزه در سال گذشته بوده‌اند، ترس از حمله اسرائیل هنوز محسوس است.

حمله اسرائیل در تاریخ 30 سپتامبر به بنادر دریایی حدیده و رأس عیسی در یمن تحت کنترل حوثی‌ها ممکن است سرنخ‌هایی از گزینه‌های اسرائیل برای مقابله با ایران ارائه دهد. اسرائیل بنادر و نیروگاه‌های اصلی تحت کنترل حوثی‌ها را هدف قرار داد تا مسیرهای واردات نفتی که این گروه برای تأمین مالی کارزار‌های نظامی خود از جمله علیه منافع دریایی غرب در دریای سرخ استفاده می‌کرد، مختل کند.

با پیش‌بینی این اقدام، رسانه‌ها و کانال‌های تلگرامی ایرانی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نسبت به هدف قرار دادن پالایشگاه‌های این کشور با این مفهوم که ایران پالایشگاه‌ها و میادین نفتی در سراسر خلیج‌فارس را هدف قرار خواهد داد، هشدار دادند.

اگر انتقام‌جویی اسرائیل شامل هدف قرار دادن زیرساخت‌های نفتی ایران باشد، این امر بر بازارهای نفت فشار می‌آورد، جایی که عدم اطمینان در پی حملات موشکی ایران باعث شد که قیمت آتی نفت خام به 74.45 دلار در هر بشکه برسد. حملات تلافی‌جویانه مستقیم اسرائیل به تأسیسات نفتی ایران و همچنین بازگرداندن تحریم‌های آمریکا بر صادرات نفت ایران، می‌تواند قیمت‌ها را افزایش دهد. این امر می‌تواند مشکلاتی را برای آمریکا پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری ماه آینده ایجاد کند.

اگر اقدام تلافی‌جویانه بسیار بزرگ‌تر و پرخطر اسرائیل، تأسیسات هسته‌ای ایران را که مدت‌ها در مدار توجه اسرائیل بوده است، هدف قرار خواهد داد، ماجرا بسیار متفاوت‌تر خواهد بود.

اسرائیل در تاریخ 19 آوریل بخشی از سامانه ‌‌‌پدافند هوایی بلند اس-300 را در اصفهان نزدیک یک تأسیسات هسته‌ای منهدم کرد. این حمله این تهدید ضمنی را نشان داد که اسرائیل می‌تواند به‌راحتی زیرساخت‌های هسته‌ای ایران را هدف قرار دهد و هدف قرار دادن مستقیم سایت‌های هسته‌ای به این معنی است که اسرائیل ارزنده‌ترین کارت خود را بازی می‌کند و ممکن است تا زمان پیروزی مطلوب در لبنان و فلسطین این کار را نکند. نکته اصلی این است که حتی اگر اسرائیل سایت‌های هسته‌ای را هدف قرار دهد، مشخص نیست که حملات هوایی به تنهایی می‌تواند برنامه هسته‌ای ایران را نابود کند یا به‌طور ‌‌‌قابل‌توجهی به تعویق بیاندازد!

<https://tinyurl.com/yw7tcw4y>

**صفحه سوم (****رژیم صهیونیستی)**

**300 کلمه (ستون)**

**مدیا لاین**

**کرن ستون**

**اسرائیل گزینه‌های خود علیه ایران را می‌سنجد**

تنش‌ها در حالی افزایش می‌یابد که اسرائیل قصد دارد از حملات موشکی ایران انتقام بگیرد. نتانیاهو با فشار آمریکا مواجه است و اقداماتی را علیه سایت‌های هسته‌ای ایران می‌سنجید که می‌تواند به یک درگیری منطقه‌ای بزرگ‌تر تبدیل شود.

نتانیاهو گفته است: «ایران تاکنون دو بار در برخی از بزرگ‌ترین حملات موشکی بالستیک تاریخ صدها موشک به سمت خاک و شهرهای ما شلیک کرده است.» هیچ کشوری در جهان چنین حمله‌ای را نمی‌پذیرد. اسرائیل وظیفه و حق دفاع از خود و پاسخ به چنین حملاتی را دارد.

اسرائیل اکنون با یک معضل بزرگ مواجه است، زیرا مقامات ارشد دفاعی و رهبری سیاسی آن در حال بررسی پاسخ به این حمله هستند.

به گفته دکتر یوئل گوزانسکی، محقق ارشد موسسه مطالعات امنیت ملی، اسرائیل گزینه‌های مختلفی دارد که مطلوب‌ترین هدف آن سایت‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران است.

با این حال، با توجه به شرایط پیچیده، شکافی بین آنچه اسرائیل می‌خواهد و آنچه که واقعاً می‌تواند انجام دهد، وجود دارد.

آمریکا علاقه‌ای به چنین حمله‌ای ندارد، زیرا می‌داند که این می‌تواند به یک جنگ بزرگ‌تر تبدیل شود. آمریکا می‌خواهد پاسخ اسرائیل را ببیند که قدرتمند به نظر برسد، اما منطقه را آتش نزند و به این داستان پایان دهد.

گزارش‌های رسانه‌ها حاکی از آن است که مقامات ایرانی کشورهایی مانند عربستان و دیگر کشورهای حاشیه خلیج‌فارس را تهدید کرده‌اند که در صورت حمله اسرائیل، تأسیسات نفتی آن‌ها هدف انتقام‌جویی ایران خواهد بود.

حمله اسرائیل به تاسیسات هسته‌ای ایران تنها یک اراده نیست. پیچیدگی‌های چنین کاری بی‌شمار و شاید غیرقابل غلبه است.

تأسیسات هسته‌ای ایران در سراسر کشور، زیرزمینی پراکنده هستند و در مورد توانایی اسرائیل برای انجام حملات هوایی پیچیده تردید ایجاد می‌کند.

اگر اسرائیل به هشدارهای آمریکا برای حمله نکردن به تاسیسات هسته‌ای ایران توجه کند، اهداف نظامی غیرهسته‌ای می‌تواند گزینه واقعی‌تری باشد.

<ibit.ly/n6hnG>

**500 کلمه (عکس‌دار)**

**فارن افرز**

**آری شاویت**

**آنچه اسرائیل از دست داده است**

قتل‌عام 7 اکتبر 2023 یکی از وحشتناک‌ترین جنایاتی بود که از زمان جنگ جهانی دوم انجام شد. در آن روز، شبهه‌نظامیان تحت رهبری حماس کودکان اسرائیلی را ربودند، به زنان اسرائیلی تجاوز کردند، مردان اسرائیلی را سر بریدند و تمام خانواده‌های اسرائیلی را در خانه‌هایشان زنده زنده سوزاندند؛ اما فراتر از این فاجعه انسانی و اخلاقی، فاجعه‌ای که در صبح غم‌انگیز شبات (در دین یهودیت به روز تعطیل هفتگی می‌گویند که به‌صورت نمادین به معنای هفتمین روز آفرینش است) بر اسرائیل وارد شد، دارای اهمیت تاریخی است.

طرح جامع ایران روشن است: اهداف بلندمدت آن نابودی اسرائیل، تسلط بر جهان عرب، تضعیف غرب و تبدیل شدن مجدد به یک قدرت امپریالیستی است. برای دستیابی به این اهداف، از یک استراتژی سه لایه استفاده می‌کند. اول، تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای برای خنثی کردن برتری استراتژیک اسرائیل و تضمین یک مصونیت برای خود. دوم، ایران در حال تولید تسلیحات متعارف پیشرفته از جمله راکت، موشک کروز، پهپادها است تا بتواند مزیت تکنولوژیک مورداستفاده آمریکا، اسرائیل و متحدان آن‌ها را کاهش دهد و در آخر، ایران با حلقه‌ای از پایگاه‌ها، اسرائیل را محاصره می‌کند که از آنجا نیروهای نیابتی تروریستی‌اش (و نیروهای خودی) می‌توانند روزی تهاجم کامل به کشور یهود را آغاز کنند.

با از بین رفتن مشروعیت بین‌المللی اسرائیل، اوضاع در داخل کشور نیز بدتر شد. پس از شوک اولیه 7 اکتبر، ملت آسیب‌دیده وارد عمل شد. در ماه‌های بعد، جامعه اسرائیل بسیج شد، ارتش بهبود یافت و دولت وحدت تشکیل شد. خلاقیت، انعطاف‌پذیری و شجاعت دستاوردهای تاکتیکی قابل‌توجهی را به همراه داشت. اتحاد دیرینه اسرائیل با واشنگتن قوی بود، روابط آن با رژیم‌های عرب ضد ایرانی پابرجا ماند و هیچ جنگ وحشتناکی در کرانه باختری یا اسرائیل وجود نداشت.

اما حملات در لبنان و حمله موشکی بالستیک به اسرائیل، این واقعیت اساسی را که برای تقریباً یک سال نادیده گرفته شده بود، به اثبات رساند: هسته اصلی موضوع ایران است. ماه اکتبر سال 2023 نشان داد که جمهوری اسلامی و دست‌اندرکاران آن واقعاً چقدر خطرناک هستند. سپتامبر سال 2024 نشان داد که آن‌ها در مواجهه با عزم و اراده چقدر می‌توانند آسیب‌پذیر باشند. فرصتی که با موفقیت اخیر و شگفت‌انگیز اسرائیل ایجاد شد، نباید هدر رود.

آنچه امروز در غرب‌آسیا اتفاق می‌افتد یک رویداد منحصر به فرد و نه صرفاً دور دیگری از خصومت‌ها نیست. آنچه در ماه اکتبر گذشته آغاز شد یک رویداد چند بعدی است که دامنه آن بزرگ‌تر از هر چیزی است که در قرن بیست و یکم اتفاق افتاده است. این درگیری جدید پایان یک عصر طلایی پنج دهه برای اسرائیل است که در طی آن دل خوشی آزادی از برتری استراتژیک در برابر نیروهای استبداد و تعصبی که آن را احاطه کرده‌اند برخوردار بود. همچنین پایان دوران طلایی هشت دهه یهودیان است که طی آن احساس گناه جمعی در مورد هولوکاست، یهودی‌ستیزی را مهار و سرکوب کرد.

برای اسرائیل، پیامدهای این موقعیت تاریخی جدید بدیهی است: باید مقاومت ملی خود را بازسازی کند و باید خود را به‌طور کامل در دنیای آزاد ادغام کند. ائتلاف جناح راست‌گرا نتانیاهو دولت یهود را تقویت نکرده بلکه آن را تضعیف کرده است. به جای سرمایه‌گذاری در علم، آموزش و انسجام داخلی، منابع ملی را با شهرک‌سازی و دست زدن به تحریکات غیرضروری به هدر داد. نهادهای دولتی را کاهش داد، جامعه را تقسیم و ارتش را فرسوده کرد و در عین حال مشروعیت بین‌المللی صهیونیسم را از بین برد.

<twtr.to/uvgkx>

**صفحه چهارم (منطقه)**

**350 کلمه (عکس‌دار)**

**دیلی صباح**

**هاکی اوکال**

**بازی خطرناک نتانیاهو برای آغاز جنگ هسته‌ای**

صلح نمی‌تواند به خودی خود رخ دهد، اما جنگ‌ها می‌توانند. برای شروع جنگ لازم نیست کار خاصی انجام دهید.

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل سیل در کشورش به راه انداخته است. ممکن است او به تاسیسات اتمی تهران حمله کند.

به نظر می‌رسد این تنها راه برای نتانیاهو به‌منظور دور نگه داشتن خود از زندان اسرائیل است. این امر باعث خشنودی سربازان صهیونیستی در دولت ائتلافی او می‌شود.

نتانیاهو از استعفا خودداری کرد.

از آنجایی که حمله حماس شرایط مساعدی را برای شروع طرح شرکای ائتلاف خود برای «راه‌حل نهایی در فلسطین» فراهم کرد، اکنون او فرصت کافی برای پاسخ به 200 موشکی که ملاهای ایران هفته گذشته به سمت اسرائیل شلیک کردند را دارد.

اسرائیل (به هزینه امپراتوری عثمانی) با هدف ساخت پناهگاه امن برای یهودیان ایجاد شد. اما هرگز آن چیزی که برای آن هدف در نظر گرفته شده، نبوده است. از زمان تأسیس آن در سال 1948، بیش از 20 هزار یهودی در جنگ‌های آغازشده توسط دولت اسرائیل کشته و بیش از 100 هزار نفر از آن‌ها مجروح و معلول شده‌اند. همه نخست‌وزیران اسرائیل جنگ‌طلب نبودند.

اسرائیل اگر به هر دلیلی نتواند ژنرال‌های آمریکایی را با خود به جنگی فاجعه‌بار در ایران بکشاند، راهی برای برقراری صلح در فلسطین وجود دارد. سیاستمداران آمریکایی و ژنرال‌های خوشحال باید درک کنند که میلیون‌ها انسان مرده در ایران و همسایگانشان، تهران ویران‌شده و بدبختی که در پی خواهد داشت، همه را وادار به جنگ خواهد کرد. مردم مسلمان منطقه، از جمله ترکیه، برای همیشه به غرب پشت می‌کنند.

ما امیدواریم که آمریکا همچنان کنترل نهایی نتانیاهو را در اختیار داشته باشد.

<ibit.ly/3UD9f>

**350 کلمه (عکس‌دار)**

**جروزالم پست**

**بری شاو**

**غزه باید تحت‌‌الحمایه یک پیمان باشد**

پس از یک دوره اساسی از ریشه‌کنی حماس، مردم غزه باید چشم‌اندازی برای آینده‌ای بهتر داشته باشند. مفهوم تحت‌الحمایه بودن در گذشته موفقیت‌آمیز بوده است و نمونه‌هایی در آلمان، ژاپن و آمریکا از این مفهوم وجود دارد. تحت‌الحمایه بودن غزه نه‌تنها زیرساخت‌های فیزیکی را بازسازی می‌کند، بلکه ساختارهای سیاسی و ایدئولوژیک افراطی آن را نیز تخریب می‌کند.

شرکای مسلمان میانه‌رو مسئول بازسازی مساجد، مدارس و تربیت معلمان دینی خواهند بود. یک برنامه درسی آموزشی مدرن مبتنی بر زبان، ریاضیات، علوم، فناوری پیشرفته، پزشکی و مطالعات تجاری ایجاد خواهد شد.

یک نیروی پلیس چندملیتی برای محافظت از متجاوزان و جنایت‌کاران ایجاد خواهد شد و سرمایه‌گذاری پول، منابع و پرسنل باید در برابر بروز نارضایتی‌های محلی، جنگ‌های داخلی و تروریسم خرج شود.

یک نیروی حفاظتی در غزه، غزه‌‌ای‌ها را برای تبدیل‌شدن به محافظان جامعه استخدام کرده و آموزش می‌دهد. حضور سربازان اسرائیلی ممکن است به‌عنوان یک تحریک تلقی شود، اما یک نیروی چندملیتی، از جمله یک نیروی گشتی واحد، موردنیاز است.

اطلاعات پست اسرائیل که مقر آن در غزه است، برای تبادل اطلاعات و هماهنگی با نیروهای متحد ضروری است. احیای غزه به شرکای خارجی مدبر و پرورش غزه به استعداد مردم منطقه برای پیشرفت بستگی دارد.

محمد دحلان، میلیاردر امارات، اکنون رهبر بالقوه غزه است. او که در خان‌یونس به دنیا آمد، ۱۱ بار توسط اسرائیل به دلیل مشارکت در جنبش جوانان فتح دستگیر شد. پس از توافق اسلو، او رئیس نیروهای امنیتی پیشگیرانه در غزه شد و به یک رهبر قدرتمند فلسطین تبدیل شد. دحلان در سال 2006 به عضویت شورای قانون‌گذاری فلسطین انتخاب شد و در سال 2007 تظاهراتی علیه حماس برگزار کرد.

دحلان، یکی از چهره‌های کلیدی در توافقنامه صلح اسرائیل و امارات بوده و نماینده کشورهای عربی میانه‌رو در غرب‌آسیا و آفریقا بوده است. او اکنون به‌عنوان رهبر بالقوه یک کشور مستقل غزه در نظر گرفته می‌شود که به‌طور بالقوه منجر به پدیدارشدن غرب‌آسیای جدید می‌شود.

چشم‌انداز دحلان مبنی بر تبدیل‌شدن غزه به یک کشور توریستی، تجاری و پیشرفته به‌عنوان نمونه‌ای برای تشکیلات خودگردان فلسطین خواهد بود و صلح و رفاه در غزه را ترویج می‌کند.

<https://shorturl.at/IxcL0>

**صفحه پنجم (محور مقاومت)**

**350 کلمه (عکس‌دار)**

**نیوزویک**

**دنیل دیویس**

**ترور نصرالله از امنیت اسرائیل می‌کاهد**

بسیاری در غرب‌آسیا و آمریکا از ترور حسن نصرالله، رهبر حزب‌الله در روز 27 سپتامبر توسط اسرائیل استقبال کردند. شبکه‌های تلویزیونی در اسرائیل در استودیوهای خود آواز خواندن و رقصیدن داشتند و برخی از خبرنگاران در خیابان‌ها شکلات پخش می‌کردند.

به مرور زمان ممکن است از این جشن‌ها پشیمان شوند.

یک روز پس از حمله تروریستی حماس در 7 اکتبر، حزب‌الله در همبستگی با مردم فلسطین، تعداد محدودی راکت و گلوله‌های توپخانه‌ای را علیه اهداف اسرائیل شلیک کرد که 300 نفر از آن‌ها در 24 ساعت اول در پاسخ به حمله تروریستی توسط ارتش اسرائیل کشته شدند. در روزهای آغازین جنگ علیه حماس، این نگرانی وجود داشت که حزب‌الله ممکن است به ارتش اسرائیل حمله کند و حماس را وارد یک جنگ دو جبهه‌ای کند. نصرالله نیروهای خود را مهار کرد، اما هیچ جبهه شمالی باز نشد.

ظاهراً بسیاری در اسرائیل بر این باور بودند که اگر سر حزب‌الله را همراه با تعداد خیره‌کننده دیگر رهبران بلندپایه این گروه بیرون بکشند، این سازمان تضعیف می‌شود یا حتی احتمالاً از هم می‌پاشد و امنیت اسرائیل بهبود می‌یابد. بعید است که این امیدها محقق شوند. برعکس، بر اساس تجربه من در مبارزه با دشمنان شورشی در عراق و افغانستان، نتیجه محتمل‌تر افزایش تهدید برای اسرائیل خواهد بود.

همان‌طور که آمریکایی‌ها هم در عراق و هم در افغانستان مشاهده کردند، هر زمان که رهبر یک شبهه‌نظامی یا گروه تروریستی را بکشید، همیشه شخص دیگری برای جانشینی او منتظر است. چنین گروه‌هایی به صراحت برای زنده ماندن از دست دادن یک رهبر، حتی رهبر ارشد، طراحی شده‌اند. به یاد داشته باشید که القاعده پس از مرگ اسامه بن لادن متلاشی نشد و زمانی که ابوالزرقاوی تروریست در سال 2006 در عراق کشته شد، گروه تروریستی او در نهایت به داعش بسیار قدرتمندتر تبدیل شد.

قرار نیست حزب‌الله با ترور رهبرش نابود شود، اما اکنون این گروه احتمالاً رادیکال‌تر، خطرناک‌تر و کشنده‌تر برای اسرائیل خواهد بود. در حال حاضر، این کشور برای جان خود علیه ارتش اسرائیل در جنوب لبنان می‌جنگد؛ اما اگر تهاجم ارتش اسرائیل به یک جنگ طولانی تبدیل شود، اسرائیل ممکن است حزب‌الله را نسبت به قبل از ترور نصرالله، تمایل کمتری برای مشارکت در دیپلماسی پیدا کند.

<t.ly/1v0gn>

**350 کلمه (عکس‌دار)**

**اکونومیست**

**ماریا یمتس**

**جنگ غزه جوانان فلسطینی را تندرو کرده است؟**

در میان بانک‌ها، شرکت‌های حقوقی و هتل‌های مجلل مرکز لندن، قطعه‌ای از فلسطین در حال افزایش است. هر کدام دوره متفاوتی از تاریخ فلسطین را به تصویر می‌کشند. دیوارهای یکی، مشبک چوبی حیاط داخلی سنتی را بازسازی می‌کند. دیگری، آوارهای شکسته غزه. پرچم‌ها و بنرهای فلسطینی در اعتراض به نسل‌کشی دیوارها و سنگفرش‌های بیرون را تزئین می‌کنند. اسامه قاشو، بنیان‌گذار آن، قصد دارد تا پایان سال یک باشگاه خبرنگاران، یک ایستگاه رادیویی، یک مرکز راه‌اندازی، یک سالن نمایشگاه و یک سالن فرهنگی را در این ساختمان افتتاح کند. آقای قاشو، تبعیدی از شهر نابلس کرانه باختری، می‌گوید: «هر بمبی که اسرائیل بر غزه می‌اندازد، محرک است.»

ساکنان کرانه باختری وضعیت خود را به غزه قبل از جنگ تشبیه می‌کنند. ایست‌های بازرسی آن‌ها را در محاصره و خارج از بازار کار اسرائیل نگه می‌دارد. حملات پهپادها که در غزه رایج است، اکثر اوقات رخ می‌دهد. خشونت شهرک‌نشینان یهودی از 7 اکتبر به‌شدت افزایش یافته است.

به نظر می‌رسد فلسطینی‌ها در مورد چگونگی دستیابی به تشکیل کشور دوگانه شده‌اند. برای برخی، مقاومت می‌تواند صلح‌آمیز باشد. آن‌ها آن را در عزم خود برای ماندن می‌بینند. فلسطینی‌ها در روستاهای خود در شمال اسرائیل باقی مانده‌اند، حتی در حالی که حزب‌الله منطقه را با موشک بمباران کرده است و یهودیان اسرائیلی تخلیه شده‌اند. غوسون بشارت، سردبیر مجله +972، یک مجله مشترک اسرائیلی و فلسطینی مستقر در حیفا، می‌گوید: «همیشه این ترس وجود دارد که اگر خانه خود را ترک کنید، نمی‌دانید به شما اجازه بازگشت داده می‌شود یا خیر».

با این حال، تعداد کمی از فلسطینی‌ها شک دارند که واکنش خشونت‌آمیزی در راه است. در حالی که ایران در روز اول اکتبر اسرائیل را با موشک بمباران می‌کرد، حداقل هفت نفر در تل‌آویو هدف گلوله قرار گرفتند و کشته شدند. حماس مسئولیت این حمله را بر عهده گرفته و گفته است که مهاجمان اهل الخلیل در کرانه باختری هستند. فلسطینی‌ها دولت کارآمدی ندارند. به نظر می‌رسد دوران حماس به‌عنوان یک مرجع در غزه به پایان رسیده است. ابهام مشابهی در مورد محمود عباس، رئیس‌جمهور 88 ساله فلسطین وجود دارد. اکثر جوانان فلسطینی برخلاف والدین خود، هیچ وابستگی جناحی ندارند.

<twtr.to/D0rNk>

**صفحه ششم (داخلی آمریکا)**

**350 کلمه**

**هاف‌پست**

**جاناتان نیکلسون**

**دموکرات‌ها شانس تصاحب مجلس را یک ماه بعد از روز انتخابات افزایش می‌دهند**

دموکرات‌های مجلس نمایندگان که آرای کلیدی را برای باز نگه داشتن دولت و در مورد دیگر مسائل مهم حتی زمانی که اکثریت جمهوری‌خواه کنترل مجلس را در اختیار داشتند، به‌طور فزاینده‌ای احساس می‌کنند که اکثریت را در نوامبر به دست خواهند آورد. در 30 روز قبل از روز انتخابات، یادداشت استراتژی کمیته کارزار دموکرات کنگره که توسط هاف‌پست به دست آمده است، دلایل بیشتری را به آن‌ها می‌دهد تا این احساس را داشته باشند، از جمله مشاهده برتری میانگین نامزد دموکرات نسبت به رقیب خود در رأی‌گیری رقابتی در حوزه‌ی انتخاباتی.دموکرات‌ها در ایالت‌های رقابتی با دو امتیاز از حریف جمهوری‌خواه خود جلوتر هستند.

ترکیب فعلی مجلس نمایندگان شامل 220 جمهوری‌خواه است که تنها یک حاشیه امن دو رأی را در مجلس 435 عضوی برای حزب باقی می‌گذارد. میانگین نوسان در انتخابات مجلس نمایندگان بسیار بالاتر از سه کرسی است، اما مشخص نیست که در نوامبر به کدام سمت خواهد رفت. جمهوری‌خواهان مجلس تا حد زیادی امیدوارند که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا، بار دیگر پیروز شود تا کنترل مجلس را حفظ کنند.

پروژه 2025، طرحی راست افراطی برای ‌‌ریاست‌جمهوری جمهوری‌خواه که توسط بنیاد محافظه‌کار هریتیج تهیه و به دست افرادی که دوران ترامپ در کاخ سفید بودند، نوشته شده، همچنان بر نامزدهای حزب جمهوری‌خواه تأثیر می‌گذارد و 62 درصد از رأی‌دهندگان مستقل نسبت به آن نظر نامطلوب دارند.

جمهوری‌خواهان، دموکرات‌ها را از تصویب بسیاری از ایده‌های خود منع کرده‌اند و در نتیجه کنگره از نظر تاریخی با کمبود قانون‌گذاری و درگیری طولانی‌مدت و هرج‌و‌مرج درون‌مجلسی مواجه شده است.

از آنجایی که رأی‌دهندگان بیشتری در هفته‌های آتی در جریان انتخابات قرار می‌گیرند، از ما می‌شنوند که چگونه جمهوری‌خواهان، به‌رغم داشتن اکثریت، هیچ کاری برای خانواده‌های کارگر انجام نداده‌اند. سوزان دلبن، دموکرات واشنگتن روز جمعه به خبرنگاران گفت: «ما مطمئن خواهیم شد که رأی‌دهندگان به یاد می‌آورند که جمهوری‌خواهان مجلس چگونه دو سال خود را با چیزی جز هرج‌و‌مرج و ناکارآمدی تلف کردند».

<https://B2n.ir/x18050>

**500 کلمه (عکس‌دار)**

**اسپایکت**

**طبقه کارگر در این انتخابات تصمیم خواهد گرفت**

اگر رسانه‌های آمریکایی را باور کنیم، کامالا هریس عملاً در انتخابات 2024 پیروز شده است. در مقایسه با دونالد ترامپ و بقیه جمهوری‌خواهان، او «نیروها» و «تحرک» لازم برای ورود به کاخ سفید را دارد.

روی تکسیرا، یکی از نویسندگان کتاب «همه دموکرات‌ها کجا رفته‌اند؟» و سردبیر سیاسی «لیبرال میهن‌پرست»،هفته گذشته با برندان اونیل دیدار کرد تا در مورد مبارزات دموکرات‌ها و موارد دیگر صحبت کند.

برندان اونیل: شما سال 2024 را «انتخابات طبقه کارگر» نامیدید؛ منظور شما از آن چیست؟

روی تکسیرا: در یک سطح بسیار ابتدایی، ساختار رأی‌دهندگان آمریکا از نظر رأی‌دهندگان واجد شرایط، حدود دو سوم افراد تحصیل کرده غیردانشگاهی، یا طبقه کارگر و از نظر کسانی که احتمال شرکت در انتخابات را دارند، حدود سه پنجم است. حتی در ایالت‌های نوسانی این رقم بالاتر است. در ایالت‌های نوسانی مانند میشیگان، پنسیلوانیا و ویسکانسین، طبقه کارگر به‌شدت به سمت رأی‌دهندگان سفیدپوست طبقه کارگر گرایش دارد. این به یک مشکل بسیار جدی برای دموکرات‌ها تبدیل شده و دلیل اصلی پیروزی دونالد ترامپ در سال 2016 است.

ترامپ سهم بسیار بیشتری از آرای غیرسفیدپوستان و طبقه کارگر نسبت به جمهوری‌خواهان دارد. به همین دلیل است که می‌گویم در نهایت، این یک انتخابات طبقه کارگر خواهد بود. این به ترجیحات طبقه کارگر بستگی دارد، اینکه چه تعداد از آن‌ها توسط دموکرات‌ها نگهداری می‌شوند و چه تعداد از آن‌ها به سمت جمهوری‌خواهان حرکت می‌کنند. هریس در میان رأی‌دهندگان تحصیلکرده دانشگاهی بهتر از بایدن و در میان طبقه کارگر عملکرد ضعیفی دارد.

اونیل: وضعیت هریس در میان رأی‌دهندگانی که از اقلیت‌های قومی هستند چگونه است؟

تکسیرا: قطعاً روند کاهشی حمایت از دموکرات‌ها در میان اسپانیایی‌ها وجود دارد. بیشتر شواهد نشان می‌دهد که این کاهش به‌شدت در میان رأی‌دهندگان طبقه کارگر اسپانیایی‌تبار که اکثریت رأی‌دهندگان اسپانیایی‌تبار هستند، متمرکز است.

بین سال‌های 2016 تا 2020، اساساً یک کاهش 16 درصدی در مزیت دموکرات‌ها در میان اسپانیایی‌ها وجود داشت.با نگاهی به آخرین داده‌ها، در حالی که به این چرخه انتخاباتی می‌رویم، ممکن است 10 درصد کاهش دیگری در امتیاز اسپانیایی‌تبارها برای دموکرات‌ها وجود داشته باشد. برتری 23 امتیازی بایدن در سال 2020 برای هریس به 11 یا 12 امتیاز کاهش یافته است.

اونیل: نظر شما در مورد کارزار ترامپ و تأثیر آن در این انتخابات تاکنون چیست؟

تکسیرا: خوب، اگر شما در مورد این موضوع صحبت می‌کنید که اگر رئیس‌جمهور بود چه‌کاری انجام می‌داد، فکر می‌کنم هنوز خیلی مبهم است. از برخی جهات، او مانند سال 2016 در حال تلاش برای پیروز شدن است؛ او قول می‌دهد در تجارت سختگیر باشد. او قول می‌دهد که در برابر چین سختگیر باشد. او در مورد تعرفه‌ها صحبت می‌کند. او در مورد بازگرداندن تولید صحبت می‌کند. او مطمئناً به امنیت اجتماعی و مدیکر دست نخواهد زد و از نظر یک برنامه سیاسی منطقی نیست.

شاید مهم‌تر از این، من نمی‌دانم رأی‌دهندگان عادی چه چیزی را از پیشنهاد ترامپ دریافت می‌کنند، به غیر از اینکه به نظر می‌رسید او در زمان ریاست‌جمهوری کار بسیار خوبی انجام داد. به‌طور واقع بینانه، اگر برنده شود، برنامه سیاستی او چقدر منسجم خواهد بود؟ افرادی مانند اورن کاس در سازمان‌هایی هستند که ایده‌های سیاسی واقعاً جالبی دارند و با متحدان ترامپ مانند جی دی ونس، جاش هاولی و مارکو روبیو روابط دارند؛ اما واقعاً این موضوع چقدر بر سیاست‌گذاری تأثیر می‌گذارد؟

<https://B2n.ir/n75642>

**صفحه هفتم (افول آمریکا)**

**800 کلمه (عکس‌دار)**

**اپک تایمز**

**مایک فردنبرگ**

**فروش فولاد آمریکا ضربه‌ای به امنیت ملی و پیروزی برای چین خواهد بود**

ابرقدرتی که بخواهد ابرقدرت باقی بماند نیاز به یک پایگاه صنعتی دفاعی قوی دارد و برای داشتن یک پایگاه صنعتی دفاعی قوی نیاز به یک صنعت فولاد قوی دارد. در نتیجه، داشتن یک صنعت فولاد قوی دیگکر یک گزینه نیست اگر بخواهید یک ابرقدرت باقی بمانید.

علاوه بر این، یک صنعت ملی فولاد قوی باید تحت کنترل شهروندان آمریکا باشد تا اطمینان حاصل شود که در شرایط اضطراری ملی 100 درصد در دسترس است. این با استراتژی دفاع ملی 2022 وزارت دفاع مطابقت دارد که به‌عنوان یک اولویت مشخص می‌شود که آمریکا می‌تواند محصولات، خدمات و فناوری‌های مورد نیاز در حال حاضر و آینده را با سرعت، مقیاس و هزینه درست به‌طور ایمن تولید کند.

علاوه بر این، اطمینان از داشتن یک پایگاه صنعتی دفاعی قوی، بر هدف دستیابی به راندمان مطلوب برای تولید فولاد در سراسر جهان غلبه دارد.

از این رو، در حالی که اجازه دادن به نیپون استیل (شرکت فولاد ژاپن) برای خرید فولاد یو.اس استیل ممکن است از منظر اقتصادی کوتاه‌مدت خوب به نظر برسد، اما انجام این کار باعث تسریع در تضعیف پایگاه صنعتی دفاعی آمریکا می‌شود و برخلاف استراتژی دفاع ملی اعلام‌‌‌‌شده ما خواهد بود.

مطمئناً دریافت 1.3 میلیارد دلار برای افزایش ظرفیت یک کارخانه یو.اس استیل و افزایش عمر تولید کارخانه خوب است و اینکه چنین سرمایه‌گذاری توسط نیپون به تضمین ‌‌‌اینکه هزاران کارگر یو.اس استیل در آینده شغل خواهند داشت نیز یک مزیت است. اما اگر این انتخابی باشد که یو.اس استیل توسط نیپون استیل اتخاذ شود یا زیر دین آن رود، فروش این شرکت نمادین خواهد بود و با اتخاذ چنین انتخابی، قانونگذاران آمریکا فرصتی را برای برداشتن گام‌هایی از دست می‌دهند که آمریکا باید این گام‌ها را بردارد تا حداقل تا حدی بتواند پایگاه صنعتی دفاعی را پا برجا نگه دارد؛ یو.اس استیل در جنگ جهانی دوم پیروز شد و از دستاوردهای پیروزی آمریکا محسوب می‌شود.

فراموش نکنیم که در پایان جنگ جهانی دوم، آمریکا با تولید 67 درصد آهن خام و 72 درصد از فولاد جهان، بر تولید فولاد جهان تسلط داشت. در سال 1969، این صنعت با استخدام هفتصد هزار کارگر و تولید صد و چهل و یک میلیون تن فولاد به اوج خود رسید.

متأسفانه، امروزه آمریکا تنها 1.6 درصد از آهن خام و 4.3 درصد از فولاد جهان را تولید می‌کند. علاوه بر این، آمریکا از بزرگ‌ترین صادرکننده فولاد به بزرگ‌ترین واردکننده آن تبدیل شده است. در آمریکا تنها چهار کارخانه بزرگ فولادسازی باقی مانده است.

صرفاً انکار ژاپن از خرید فولاد آمریکا کافی نیست. بله، آمریکا باید تعرفه‌هایی را حفظ کند که از صنایع حیاتی دفاعی مانند فولاد در برابر شیوه‌های تجاری غارتگرانه ژاپن و چین برای تخریب صنعت فولاد محافظت کند، اما تعرفه‌های ضد دامپینگ کافی نیست؛ بسته‌ای از مشوق‌های مالیاتی و سرمایه‌گذاری باید در نظر گرفته شود که سرمایه‌گذاری در تولید فولاد آمریکایی از جمله یو.اس استیل را به یک پیشنهاد جذاب برای سرمایه‌گذاران آمریکایی و خارجی تبدیل کند. اطمینان حاصل از اینکه کنترل کاملاً در دست کسانی است که وفاداری خود را به قانون اساسی آمریکا مدیون هستند بسیار مهم است.

مشوق‌های ساختاری مناسب، شرکت‌های فعلی فولادسازی آمریکا را تقویت می‌کند و تشکیل شرکت‌های جدید را تشویق می‌کند، در حالی که فولاد تولیدی آمریکا را در بازار جهانی رقابتی می‌کند.

وقتی صحبت از رقابتی بودن در بازار جهانی شد، بسیاری به اشتباه بر این باورند که هزینه بالای نیروی کار آمریکایی این امر را غیرممکن می‌کند. در حالی که این ممکن است دهه‌ها پیش درست باشد، اما در سال 2024 چنین نیست. دلیل اینکه یو.اس استیل می‌تواند در بازار جهانی امروز رقابتی باشد این است که پیشرفت در تولید فولاد به‌طور ‌‌‌قابل‌توجهی درصد نیروی کار از هزینه کلی را کاهش داده است. در واقع، وقتی به تمام هزینه‌های تولید یک تن فولاد نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که هزینه تولید یک تن فولاد در آمریکا تقریباً به همان قیمتی است که در چین نیاز به صرف آن دارد، اما وقتی هزینه‌های حمل‌و‌نقل و توزیع را که چین باید برای ارسال یک تن فولاد به آمریکا متحمل شود، در نظر بگیرید، هزینه بدون یارانه فولاد چین در واقع بالاتر است.

نظام کمونیستی چین به تولید فولاد خود یارانه می‌دهد و از یارانه برای بیرون راندن فولادسازان از تجارت استفاده می‌کند. ارزش آهن و فولادی که مستقیماً از چین به آمریکا ارسال شده بود، در سال گذشته تنها 600 میلیون دلار بود. چین در طرح‌های حمل و نقل فولاد به سایر کشورها، حداقل ارزش افزوده را قبل از ارسال آن به آمریکا انجام داده است. مکزیک و کانادا بزرگ‌ترین شرکت‌های ‌‌حمل‌و‌نقل هستند و مکزیک واردات فولاد چینی خود را از سال 2020 دوبرابر کرده است. مشکل فولاد چین فراتر از واردات آن است، زیرا ظرفیت مازاد چین بازار جهانی را پر کرده و قیمت‌های جهانی فولاد را کاهش داده است.

<https://shorturl.at/xzssD>

**صفحه هشتم (سیاست خارجی آمریکا)**

**500 کلمه (عکس‌دار)**

**آسیا تایمز**

**اربن لنر**

**آمریکا به راه‌حلی برای مشکل چین نیاز دارد**

دونالد ترامپ و کامالا هریس هر دو وعده مدیریت رنسانس تولیدی را می‌دهند و هرکسی که برنده شود، تمام تلاشش را برای موفقیت خواهد کرد.

بسیاری از کارخانه‌های جدید در حال ساخت در آمریکا هستند که بخشی از آن به لطف یارانه‌های ارائه‌شده توسط قانون تراشه و علم، قانون کاهش تورم و قانون زیرساخت دو حزبی است. با تداوم تمرکز واشنگتن، این کشور می‌تواند شاهد نوآوری‌های زیادی در کارخانه‌های جدید باشد.

اما تهدیدی را که چین برای جوان‌سازی صنعت آمریکا ایجاد می‌کند، دست‌کم نگیرید. چین مازاد ظرفیت صنعتی زیادی دارد و دولت این کشور در حال سرمایه‌گذاری بر روی مازاد ظرفیت اضافی است. این امر بر قیمت‌های طیف گسترده‌ای از کالاهای تولیدی فشار وارد می‌کند و کسب سود را برای کارخانه‌های جدید خارج از چین دشوارتر می‌کند.

چین وجود مازاد ظرفیت را انکار می‌کند. چینی‌ها می‌گویند خارجی‌هایی که از این کلمه استفاده می‌کنند با پیشنهاد اینکه باید محدودیت‌هایی برای میزان تولید و صادرات چین وجود داشته باشد، سعی در خنثی کردن رشد چین دارند.

اما چین در حال حاضر بر تولیدات جهانی تسلط دارد. 35 درصد از تولید کارخانه‌های جهان را در اختیار دارد. این امر بیش از مجموع سهام 9 کشور بزرگ تولیدکننده بعدی و تقریباً 6 برابر سهم 12 درصدی آمریکا، تولیدکننده شماره دو است.

رهبران چین این تحلیل را رد می‌کنند. آن‌ها در حال کاهش سرمایه‌گذاری در تولید و برنامه‌ریزی برای صادرات چیزی هستند که بازار داخلی قادر به جذب آن نیست. آن‌ها برای حرکت رو به بالا و تلاش برای تسلط بر صنایع پیشرفته آینده تلاش می‌کنند.

هری موزر، رئیس موسسه غیرانتفاعی [Reshoring Initiative] که به بازگرداندن مشاغل تولیدی به آمریکا اختصاص دارد، می‌گوید: سرمایه‌گذاری‌های بیش از حد چین یک موج کوچک نیست، بلکه یک سونامی 450 میلیارد دلاری در طول سه سال آینده خواهد بود.

بر اساس گزارش وال استریت ژورنال، حمایت دولت چین از تولیدکنندگانش حتی قبل از دو برابر شدن اخیر، در حد خودش بود. در سال 2019، چین 1.7 درصد از تولید ناخالص داخلی خود را صرف سیاست‌های صنعتی کرد. در حالی که آمریکا 0.4 درصد هزینه کرد.

هزینه‌های چین نه تنها عمیق، بلکه گسترده است. وال استریت ژورنال گزارش می‌دهد: «99 درصد از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس، نوعی یارانه را گزارش می‌دهند.»

دو برابر شدن به همان اندازه به قدرت مربوط می‌شود که اقتصاد ربط دارد. چین می‌خواهد کمتر به کشورهای دیگر وابسته شود. می‌خواهد آن‌ها بیشتر به چین متکی باشند.

کشورهای دیگر، به‌ویژه آمریکا، نمی‌خواهند به چین متکی باشند. آن‌ها از بیکاری بیشتر و ‌‌غیر‌صنعتی شدن هراس دارند، اما این تنها نگرانی آن‌ها نیست.

تهاجم روسیه به اوکراین و جنگ اسرائیل با حماس به واشنگتن یادآوری کرده است که یک پایگاه صنعتی قوی برای دفاع ملی حیاتی است. کرونا به آمریکا آموخت که اتکای به سایر کشورها برای تأمین منابع حیاتی در شرایط بحران عاقلانه نیست.

سیاست‌گذاران دولتی در آمریکا، اروپا و جاهای دیگر در تلاش هستند تا راه‌حل‌هایی برای این مشکل چین ارائه دهند. دو دولت اخیر آمریکا تعرفه‌ها و یارانه‌ها را به درجات مختلف و با میزان متفاوت موفقیت امتحان کرده‌اند.

<t.ly/ohvDH>

**اخبار کوتاه (150 کلمه‌ای)**

**کاخ سفید**

**اسرائیل باید همیشه از امکانات لازم برای دفاع از خود در برابر جمهوری اسلامی برخوردار باشد**

کامالا هریس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، با انتشار بیانیه‌ای به مناسبت نخستین سالگرد حمله تروریستی ٧ اکتبر بر ضرورت دسترسی اسرائیل به تجهیزات لازم برای دفاع از خود در برابر حکومت ایران و گروه‌های تروریستی مورد حمایت آن همچون حماس تاکید کرد.

معاون رئیس‌جمهور آمریکا که نامزد حزب دموکرات برای انتخابات ریاست‌جمهوری ماه آینده نیز محسوب می‌شود، در این بیانیه تصریح کرد که تعهد او به امنیت اسرائیل «تزلزل‌ناپذیر است».

هریس ضمن ابراز همدردی با خانواده‌های قربانیان حمله ٧ اکتبر تصریح کرد: با تمام قدرت تلاش خواهد کرد تهدید حماس علیه اسرائیل برچیده شود و هرگز توانایی حکمرانی بر غزه را نداشته باشد و مردم غزه از شر آن رهایی یابند.

کامالا هریس در ارتباط با درگیری‌ها میان اسرائیل و حزب‌الله نیز ضرورت دستیابی به راه‌حلی مسالمت‌آمیز را یادآور شد و آن را تنها راه احیای آرامش پایدار و بازگشت ساکنان مناطق مرزی اسرائیل و لبنان به خانه‌هایشان خواند.

<ibit.ly/e34Fq>

**تایمز اسرائیل**

**انفجار جدید در نزدیکی سفارت اسرائیل در دانمارک و «نقش احتمالی» حکومت ایران**

به گفته پلیس دانمارک، در سالگرد حمله تروریستی حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر، انفجار جدیدی در نزدیکی سفارت این رژیم در دانمارک رخ داد.

این انفجار در حدود ۵۰۰ متری سفارت اسرائیل در کپنهاگ و پنج روز پس از دو انفجار در نزدیکی ساختمان سفارت رخ داد که دو شهروند سوئدی به دلیل آن دستگیر شدند.

ترینین مولر، بازرس پلیس کپنهاگ به خبرنگاران گفت: «ما البته در حال بررسی این موضوع هستیم که آیا ممکن است ارتباطی با حادثه (قبلی) در سفارت اسرائیل وجود دارد یا خیر».

او با اشاره به اینکه «هیچ نشانه‌ای دال بر این موضوع وجود ندارد»، افزود که انفجار گزارش‌شده ممکن است ناشی از تیراندازی بوده باشد.

تصاویر رسانه‌های محلی آثار انفجار در مقابل یک ساختمان مسکونی را در ۵۰۰ متری سفارت اسرائیل نشان می‌دهد.

آژانس اطلاعاتی سوئد «ساپو» گفت که حکومت ایران ممکن است در انفجارهای دوم اکتبر در دانمارک و همچنین تیراندازی روز قبل در نزدیکی سفارت اسرائیل در استکهلم دست داشته باشد.

<ibit.ly/Nez6T>

**صفحه نهم (سیاست خارجی ایران)**

**500 کلمه (عکس‌دار)**

**نشنال اینترست**

**سث فرانتزمن**

**قمار بزرگ حمله موشکی ایران به اسرائیل**

در اول اکتبر، ایران 181 موشک بالستیک به سمت اسرائیل شلیک کرد. اسرائیل برای تشدید تنش آماده بود، زیرا اوایل روز از آمریکا از حمله ایران مطلع شد. فرماندهی جبهه داخلی اسرائیل به 10 میلیون نفر از مردم این کشور هشدار داد که برای رفتن به پناهگاه‌های بمب محلی خود آماده شوند. مدت کوتاهی پس از اخطار، موشک‌های بالستیک ایران در آسمان به پرواز درآمدند و چندین مکان را در نقب و در مرکز اسرائیل هدف قرار دادند. ایران می‌دانست که با این حمله قمار می‌کند و با این ادعا که دفعه بعد با «پاسخی کوبنده‌تر و قوی‌تر» حمله خواهد کرد، سعی کرده از واکنش اسرائیل جلوگیری کند.

اسرائیل قول داده است که نسبت به حمله قبلی در ماه آوریل که ایران بیش از 300 پهپاد و موشک به سمت اسرائیل شلیک کرد، پاسخ سخت‌تری به این حمله خواهد داد. ایران در یک سال گذشته در حال قمار و آزمایش اسرائیل بوده است. در یک دهه گذشته، جمهوری اسلامی توانایی‌های خود را برای ضربه زدن به اسرائیل افزایش داده است. این کشور زرادخانه موشک‌های بالستیک خود را گسترش داده و برد و دقت آن را بهبود بخشیده است. این کشور همچنین سرمایه‌گذاری زیادی در پهپادهای کامیکازه انجام داده است. این کشور هم فناوری موشکی و هم فناوری پهپادهای خود را به نمایندگانی در منطقه مانند حوثی‌ها در یمن و حزب‌الله لبنان صادر کرده است. این کشور همچنین پهپادها و موشک‌های بالستیک را به شبهه‌نظامیان همسو در عراق منتقل کرده است. این کار نتایج مرگباری داشته است. کتائب حزب‌الله، یکی از شبهه‌نظامیان موردحمایت ایران در عراق، سه سرباز آمریکایی را در حمله پهپادی ماه ژانویه در اردن کشت.

تصمیم ایران برای مسلح کردن نیروهای نیابتی خود و آزمایش تسلیحات خود از طریق آن‌ها به‌طور کلی بدون هزینه بوده است. به‌عنوان مثال، ایران در سال 2019 مستقیماً به عربستان حمله کرد و مجتمع انرژی ابقیق را با پهپادها و موشک‌های کروز هدف قرار داد. حوثی‌ها به عربستان نیز حمله کردند. حزب‌الله در جنگ داخلی سوریه مداخله کرد. شبهه‌نظامیان موردحمایت ایران در عراق از سال 2019 تاکنون صدها بار به نیروهای آمریکایی حمله کرده‌اند. این حملات باعث شد تا ترامپ دستور ترور قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در حمله پهپادی در سال 2020 صادر کند. در خودرو با سلیمانی، ابومهدی المهندس رهبر کتائب حزب‌الله بود. ایران سپس با پرتاب موشک‌های بالستیک به پایگاه اسد در عراق و هدف قرار دادن نیروهای آمریکایی در آنجا، به تلافی آن حمله پرداخت.

حمله ایران به اسد را می‌توان الگوی ایرانی برای تحریک، دریافت پاسخ و سپس حمله بیشتر برای گرفتن آخرین ضربه در نظر گرفت. این بدان معناست که ایران اغلب حملاتی را انجام می‌دهد یا برای انجام حملات به متحدانش سلاح می‌فرستد و سپس ادعا می‌کند که هرگونه پاسخی با واکنش شدیدتری از سوی تهران مواجه خواهد شد؛ بنابراین، ایران مایل به تهدید، بلوف و قمار در این بازی در حال افزایش است.

حمله روز 1 اکتبر توسط ایران بزرگ‌ترین قمار ایران است. می‌داند که اسرائیل آماده پاسخگویی است. می‌داند که اسرائیل از غرب حمایت دریافت می‌کند. همچنین می‌داند که اسرائیل به‌شدت حماس و حزب‌الله را تضعیف کرد و دو جبهه موردحمایت ایران را علیه اسرائیل از بین برد. با این وجود، حکومت ایران معتقد است که قوی‌تر از گذشته است و آماده مقابله با اسرائیل است. فرض بر این است که غرب نیز ضعیف‌تر است و نظم جهانی چندقطبی با روسیه و چین که آمریکا را متعادل می‌کنند، ممکن است از حملات موشکی بالستیک تحریک‌آمیز آن سود ببرد.

<twtr.to/wcjIO>

**اخبار کوتاه (150 کلمه‌ای)**

**ان‌بی‌سی نیوز**

**هیچ مدرکی مبنی بر تصمیم حکومت ایران برای ساخت سلاح هسته‌ای وجود ندارد**

رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، سیا، می‌گوید: هیچ مدرکی وجود ندارد مبنی بر اینکه حکومت ایران تصمیم گرفته باشد یک سلاح هسته‌ای بسازد و اگر چنین تصمیمی بگیرد، آمریکا و متحدانش احتمالاً به‌زودی از اتخاذ این تصمیم متوجه خواهند شد.

ویلیام برنز این مطلب را در حالی بیان کرد که اسرائیل به‌دنبال این است که چگونه به حمله موشکی دهم مهر جمهوری اسلامی ایران پاسخ دهد.

گمانه‌زنی‌ها بر این است که شاید اسرائیل تصمیم بگیرد به تأسیسات هسته‌ای در ایران حمله کند تا احتمال دستیابی تهران به سلاح هسته‌ای را مسدود سازد.

برنز در یک کنفرانس امنیتی در ایالت جورجیا گفت که جمهوری اسلامی برنامه هسته‌ای خود را با انباشت اورانیوم غنی‌شده که نزدیک به سطح تسلیحاتی است، جلو برده است.

او گفت، به همین دلیل اگر حکومت ایران بخواهد، می‌تواند به‌سرعت مواد شکافت‌پذیر کافی برای ساخت بمب اتمی را تأمین کند و این باعث می‌شود زمان واکنش جهان خارج، کمتر شود.

<ibit.ly/VKXno>

**تلگراف**

**فقط آمریکا می‌تواند برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی را نابود کند**

ایهود المرت، نخست‌وزیر پیشین اسرائیل، در بحبوحه تشدید تنش‌ها بین جمهوری اسلامی و دولت یهود به روزنامه تلگراف گفت: «اسرائیل نمی‌تواند بدون کمک آمریکا به برنامه هسته‌ای ایران حمله کند.»

وی به این رسانه بریتانیایی گفت، «اسرائیل احتمالا توانایی حمله به تاسیسات هسته‌ای که در اعماق زمین و در سراسر ایران پراکنده‌اند را ندارند.»

المرت افزود: حمله به این تاسیسات را آمریکا می‌تواند انجام دهد و اسرائیلی‌ها می‌توانند به آن کمک کنند که در آن صورت داستان متفاوت می‌شود، چون آمریکایی‌ها باید تصمیم بگیرند.

موضع جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا تاکنون بر این بوده که از حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران حمایت نمی‌کند.

اسرائیل گفته است، به پرتاب ۱۸۰ موشک از سوی جمهوری اسلامی واکنش نشان خواهد داد. برخی گمانه‌زنی‌ها درباره پاسخ احتمالی اسرائیل شامل حمله به تاسیسات هسته‌ای، نفتی، نظامی، یا مقامات و اشخاص خاص است.

المرت برای نخستین بار فاش کرد که در آستانه حمله به راکتور هسته‌ای سوریه در سال ۲۰۰۷ به گوردون براون، نخست‌وزیر وقت بریتانیا اطلاع داده بود.

<ibit.ly/Rucyn>

**صفحه دهم (اوراسیا)**

**800 کلمه**

**مؤسسه تحقیقات سیاست خارجی**

**رابرت همیلتون / نوارد چالیکیان**

**ارمغان فصل جدید قفقاز جنوبی با انتخابات گرجستان و آمریکا**

قفقاز جنوبی، یک منطقه استراتژیک مهم بین دریای خزر و دریای سیاه است که از سه کشور ارمنستان، آذربایجان و گرجستان تشکیل شده است. گرجستان روابط خوبی با ارمنستان و آذربایجان دارد و این منطقه نقش کلیدی در شبکه‌های اقتصادی و ‌‌حمل‌و‌نقل بین آسیا و اروپا دارد. در سال‌های اخیر فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی منطقه در خطر است و آرزوهای اروپا آتلانتیک گرجستان در حال محو شدن است. انتخابات روز 26 اکتبر پیامدهای حیاتی بر جهت‌گیری سیاست خارجی گرجستان و آینده ژئوپلیتیکی منطقه‌ای این کشور خواهد داشت.

انتخابات آتی گرجستان کمتر از هر دوره دیگر قابل ‌‌پیش‌بینی است. حزب حاکم رویای گرجستان (GD) به‌طور پیوسته محبوبیت خود را از دست داده است و اکنون در نظرسنجی 34.4 درصد آرا را دارد. در همین حال، اپوزیسیون گرجستان همچنان از هم پاشیده است و هیچ حزبی بیش از حزب حاکم رویای گرجستان رأی کسب نکرده است. در نتیجه، حزب حاکم رویای گرجستان احتمالاً از تمام منابعی که در اختیار دارد برای برنده شدن استفاده خواهد کرد. تا زمانی که اپوزیسیون‌ها یک بلوک واحد تشکیل ندهد، حزب حاکم رویای گرجستان ممکن است قدرتمندترین حزب در پارلمان باقی بماند.

اگر حزب حاکم رویای گرجستان به‌طور کامل پیروز شود و اکثریت کرسی‌های پارلمان را به دست آورد، این پیروزی احتمالاً با اعتراضات گسترده مشابه آنچه در بهار امسال در واکنش به تصویب «قانون عوامل خارجی» رخ داد، مواجه خواهد شد.

در صورت بازگشت حزب حاکم رویای گرجستان به قدرت، دولت گرجستان به روابط با روسیه و چین ادامه داده و آن را بهبود می‌بخشد و در عین حال تلاش می‌کند این دو را با اتحادیه اروپا و آمریکا متعادل کند. به دلیل اشغال آبخازیا و اوستیای جنوبی توسط روسیه و این واقعیت که اکثر گرجی‌ها از پیوستن به اتحادیه اروپا (86 درصد) و ناتو (79 درصد) حمایت می‌کنند، بعید است روابط رسمی دیپلماتیک با روسیه برقرار شود. در حالی که چرخش شدید به سمت روسیه در کوتاه‌مدت واقع بینانه نیست، اما گرجستان احتمالا همکاری اقتصادی خود را با مسکو افزایش خواهد داد و به‌دنبال سرمایه‌گذاری از فرصت‌های صادرات مجدد به روسیه خواهد بود.

در همین حال، مشارکت چین در زیرساخت‌های گرجستان ادامه خواهد داشت و این امر گرجستان را بیشتر به سمت چین سوق می‌دهد و به چین کمک می‌کند تا خود را به‌عنوان یک بازیگر جدید در دریای سیاه تثبیت کند و رقابت بین قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای را افزایش دهد.

روابط با غرب با واکنش شدید قدرت‌های غربی به بدتر شدن روابط ادامه خواهد داد. اتحادیه اروپا ممکن است به‌طور رسمی وضعیت نامزدی گرجستان را پس بگیرد، تحریم‌هایی را اعمال کند و کمک‌های مالی را کاهش دهد و ناتو نیز به‌طور رسمی تعهد خود را با گرجستان لغو کند.

این سناریو به احتمال زیاد گرجستان را به ترکیه و آذربایجان نزدیک‌تر خواهد کرد و چنین تحولاتی ظرفیت آمریکا و اتحادیه اروپا را برای تأثیرگذاری بر قفقاز جنوبی محدود می‌کند. اگر غرب روابط خود را با گرجستان قطع کند، ممکن است ارمنستان به‌عنوان تنها کشور متمایل به غرب در منطقه به کانون توجه آمریکا و اتحادیه اروپا تبدیل شود.

همچنین ممکن است که آمریکا منطقه را از دست رفته تلقی کند و تعامل کلی خود را کاهش دهد. در نتیجه، ارمنستان ممکن است در طول زمان کمتر مورد توجه واشنگتن قرار گیرد و این احتمال وجود دارد که آذربایجان در تلاش برای اشغال استان سیونیک و ایجاد کریدور زنگزور به ارمنستان حمله کند.

زمانی که آمریکایی‌ها در روز 5 نوامبر 2024 رأی دهند، نتایج انتخابات گرجستان از قبل مشخص شده است. در حالی که تعداد کمی از آمریکایی‌ها قفقاز جنوبی را در هنگام رأی دادن در ذهن دارند، اما این نتیجه می‌تواند پیامدهای مهمی برای منطقه داشته باشد. در هر صورت، باکو ممکن است وسوسه شود که از این دوره تحولات آمریکا برای آغاز تشدید تنش در مرزهای ارمنستان استفاده کند و دولت هریس احتمالاً به سناریوهای انتخاباتی گرجستان مانند دولت فعلی بایدن پاسخ می‌دهد و از کشورهایی که به‌دنبال دموکراسی‌سازی و ادغام غربی هستند، حمایت دیپلماتیک، اقتصادی و امنیتی محدودی ارائه می‌کند و در عین حال مواردی را که چنین نیستند نادیده می‌گیرد.

از سوی دیگر، دولت ترامپ می‌تواند رویکرد بسیار متفاوتی را ارائه دهد. سیاست خارجی ترامپ تمایل دارد بر مذاکرات شخصی متمرکز شود که منجر به توافقات «تک معامله» می‌شود. او از ائتلاف‌های بلندمدت دوری می‌کند و ترجیح می‌دهد که آمریکا را زیر بار تعهداتی که فواید و مزایای ملموس و فوری ارائه نمی‌دهند، نگه ندارد. ترامپ همچنین ترجیح داده است «رهبران قوی» مانند ولادیمیر پوتین از روسیه، ویکتور اوربان مجارستان و رجب طیب اردوغان از ترکیه و در صورت پیروزی حزب حاکم رویای گرجستان، آنان را در کنار خود نگه دارد. الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان، ممکن است تلاش کند با شانس موفقیت بیشتر به دلیل ثروت نفت و گاز آذربایجان منافع و توجه ترامپ را جلب کند.

ترامپ احتمالاً به‌دنبال پایان دادن به جنگ اوکراین با توقف کمک‌ها برای فشار جهت مذاکره با روسیه است. تنش کمتر بین آمریکا و روسیه به کشورهای قفقاز جنوبی اجازه می‌دهد تا سیاست متعادل‌تری را بدون نیاز به انتخاب طرف خاصی دنبال کنند.

<https://tinyurl.com/ytdvjfse>

**صفحه یازدهم (نظامی)**

**350 کلمه**

**گاردین**

**آنا بتس**

**تاکید بایدن بر حمایت آمریکا از اسرائیل در بحبوحه حمله موشکی ایران**

جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا پس از حملات موشکی ایران، حمایت کشورش از اسرائیل را تایید کرد، این رگبار را شکست خورده و بی‌اثر توصیف کرد و به ارتش آمریکا دستور داد تا به دفاع از اسرائیل در برابر هرگونه حمله آینده کمک کند.

رئیس‌جمهور آمریکا روز سه‌شنبه پس از شلیک بی‌سابقه موشک‌های بالستیک از سوی تهران به خبرنگاران گفت این حمله شکست خورده و بی‌اثر بوده و این گواهی بر توانایی نظامی اسرائیل و ارتش آمریکا است.

مقامات دفاعی آمریکا اعلام کردند ناوشکن‌های آمریکایی در شرق دریای مدیترانه چندین موشک جمهوری اسلامی را منهدم کردند. کشتی‌هایی که در حال حاضر در منطقه هستند عبارت‌اند از USS Arleigh Burke، USS Cole و USS Bulkeley و ناوشکن‌های اضافی در دریای سرخ.

کامالا هریس، معاون رئیس‌جمهور بایدن و نامزد دموکرات‌ها، ایران را نیروی بی‌ثبات‌کننده و خطرناک در غرب‌آسیا توصیف کرد و افزود من همیشه اطمینان می‌دهم که اسرائیل توانایی دفاع از خود در برابر ایران و شبهه‌نظامیان تروریستی مورد حمایت ایران را دارد.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد که این حمله موشکی در تلافی قتل‌های اسماعیل هنیه، رهبر حماس؛ حسن نصرالله، رهبر حزب‌الله و عباس نیلفروشان، معاون فرمانده سپاه پاسداران انجام شده است.

شورای امنیت ملی کاخ سفید گفت که بایدن و کامالا هریس حمله ایران به اسرائیل را از اتاق وضعیت کاخ سفید زیر نظر داشته و به‌روزرسانی‌های منظم را از تیم امنیت ملی خود دریافت می‌کنند. جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی بایدن، واکنش به این حمله را که او آن را شکست‌خورده و ناکارآمد توصیف کرد، ستایش کرد.

اما قبل از پایان رگبار موشکی، دونالد ترامپ در پلتفرم رسانه اجتماعی خود، Truth Social، درگیری کنونی در غرب‌آسیا را کاملاً قابل پیشگیری توصیف کرد و گفت که اگر او رئیس‌جمهور بود هرگز این اتفاق نمی‌افتاد.

در بیانیه‌ای، رئیس‌جمهور سابق و نامزد فعلی جمهوری‌خواهان به بایدن و هریس حمله کرد و گفت که جهان در حال خارج شدن از کنترل است و تأکید کرد که آمریکا هیچ رهبری ندارد و هیچکس کشور را اداره نمی‌کند. ترامپ افزود زمانی که من رئیس‌جمهور بودم، حکومت ایران کاملاً تحت کنترل بود. آن‌ها ورشکسته شده بودند، کاملاً مهار شده و از انجام معامله ناامید بودند.

<https://B2n.ir/m48338>

**500 کلمه**

**ریل کلیر دیفنس**

**الی ام گلد**

**گامی مهم در مبارزه با تروریسم**

در پی حملات ویرانگر 7 اکتبر به اسرائیل، آمریکا خود را در یک مقطع حساس در مبارزه مداوم خود با تروریسم بین‌المللی می‌بیند. ماهیت هولناک این حملات که جان بسیاری از جمله شهروندان آمریکایی را گرفت و صدها گروگان را در پی داشت، پاسخ قاطع ملت ما را می‌طلبد. در حالی که ما با عواقب این فاجعه دست و پنجه نرم می‌کنیم، یک قانون جدید، قانون فرار تروریستی حماس (H.R. 9153)، به‌عنوان چراغ امید و ابزاری قدرتمند در پیگیری عدالت ما ظاهر شده است.

این لایحه نشان‌‌دهنده پیشرفت ‌‌‌قابل‌توجهی در تعهد ما برای از بین بردن سازمان‌های تروریستی است که صلح و امنیت جهانی را تهدید می‌کنند. این قانون پیشنهاد می‌کند تا رهبران کلیدی حماس و جهاد اسلامی فلسطین (PIJ) به فهرست تروریست‌های تحت تعقیب اف‌بی‌آی اضافه شوند. اگرچه ممکن است این یک اقدام اداری ساده به نظر برسد، اما پیامدهای آن گسترده و عمیق است.

با قرار دادن این تروریست‌ها در این لیست پرمخاطب، پیامی صریح به جهان ارسال می‌کنیم: «کسانی که مسئول اعمال تروریستی هستند، بدون توجه به اینکه چقدر طول بکشد یا تا چه اندازه فرار کنند، پاسخگو خواهند بود». این اقدام نشان‌‌دهنده تعهد تزلزل‌ناپذیر ما به محاکمه عاملان حملات 7 اکتبر است. با افزودن این رهبران تروریست به فهرست تحت تعقیب‌ها، تلاش‌های اطلاعاتی مشترک خود را افزایش می‌دهیم و توانایی خود را برای ردیابی و دستگیری این افراد خطرناک بهبود می‌بخشیم.

با هدف قرار دادن رهبری سازمان‌های تروریستی، ما به قلب عملیات‌شان ضربه می‌زنیم و توانایی آن‌ها برای برنامه‌ریزی و اجرای حملات بیشتر را مختل می‌کنیم. این رویکرد در گذشته کارآمدی خود را نشان داده است و به ما اجازه می‌دهد تا این استراتژی را برای برخی از خطرناک‌ترین گروه‌های تروریستی که در حال حاضر فعال هستند، اعمال کنیم.

ما به‌عنوان آمریکایی، موظفیم که در برابر تروریسم در تمام اشکال آن بایستیم. حملات 7 اکتبر یادآور بی‌رحمی و ماهیت بی‌رویه خشونت تروریستی است. ما باید از هر ابزاری که در اختیار داریم برای محافظت از جان بی‌گناهان و حفظ ارزش‌هایی که برایمان عزیز است استفاده کنیم. H.R. 9153 ابزار قدرتمندی برای انجام این کار در اختیار ما قرار می‌دهد و به ما امکان می‌دهد در مبارزه با تروریسم موضعی فعالانه اتخاذ کنیم.

ممکن است منتقدان استدلال کنند که افزودن نام به یک لیست پاسخ ناکافی به چنین تهدید جدی است. با این حال، این دیدگاه نمی‌تواند پیامدهای گسترده فهرست تروریست‌های تحت تعقیب اف‌بی‌آی را تشخیص دهد. قرار گرفتن در این لیست یک امر رسمی نیست. این امر نظارت بین‌المللی را افزایش می‌دهد، سفر و تراکنش‌های مالی را برای افراد فهرست‌‌‌‌شده دشوارتر می‌کند و اغلب منجر به جمع‌آوری اطلاعات ارزشمند می‌شود. این یک بخش حیاتی از یک استراتژی جامع برای مبارزه با تروریسم است.

با نزدیک شدن به اولین سالگرد حملات 7 اکتبر، بیایید قربانیان و همه کسانی را که از دست تروریسم رنج کشیده‌اند، یاد کنیم. بگذارید یاد آن‌ها عزم ما را برای اقدام، حمایت از اقداماتی مانند H.R. 9153 و تلاش خستگی‌ناپذیر برای جهانی عاری از بلای تروریسم تقویت کند. مسیر پیش رو ممکن است چالش‌برانگیز باشد، اما با عزم راسخ و ابزار مناسب، می‌توانیم گام‌های مهمی در مبارزه با تروریسم برداریم.

<https://B2n.ir/q75537>

**صفحه دوازدهم (ناتو)**

**300 کلمه**

**پولیتیکو**

**تام نیکولسن**

**نخست‌وزیر اسلواکی می‌گوید که اوکراین هرگز به ناتو نمی‌پیوندد**

رابرت فیکو، نخست‌وزیر اسلواکی روز یکشنبه وعده داد تا زمانی که او رئیس دولت این کشور است، از پیوستن اوکراین به ناتو جلوگیری خواهد کرد.

رهبری ناتو از اوکراین می‌خواهد پس از پایان جنگ با روسیه به ائتلاف نظامی بپیوندد تا از تجاوز بیشتر مسکو جلوگیری کند، اما بیانیه فیکو مشکلات سیاسی را که احتمالاً در تعقیب این هدف به وجود می‌آیند برجسته می‌کند.

او گفت: «تا زمانی که من رئیس دولت اسلواکی هستم، به نمایندگان پارلمان که تحت کنترل من به‌عنوان رئیس حزب [حاکم جهت] هستند، دستور می‌دهم هرگز با پیوستن اوکراین به ناتو موافقت نکنند.»

اظهارات فیکو به‌شدت با موضع مارک روته، دبیرکل جدید ناتو که روز پنجشنبه گفت: «اوکراین بیش از هر زمان دیگری به ناتو نزدیک شده، در تضاد است و تا زمانی که شما عضو اتحاد ما شوید، به این مسیر ادامه خواهد داد».

بر اساس معاهده مؤسس ناتو در سال 1949، تصمیمات درباره گسترش «با توافق اتفاق آرا» اتخاذ می‌شود، به این معنی که مخالفت فیکو با پیوستن اوکراین به این ائتلاف می‌تواند در واقع عضویت این کشور را حداقل تا پایان دوره کنونی رهبر اسلواکی در قدرت در سال 2027 مسدود کند. اعضای دوست ناتو همچنین می‌توانند به‌دنبال خنثی کردن آرزوهای عضویت اوکراین باشند.

وضعیت مشابهی پس از حمله روسیه به اوکراین در ماه فوریه سال 2022 رخ داد، زمانی که سوئد و فنلاند برای پیوستن به ناتو درخواست دادند اما توسط ترکیه و مجارستان به مدت یک سال و 10 ماه مسدود شدند. در حالی که ترکیه به فعالیت‌های فعالان کرد در سوئد و محدودیت‌های صادرات تسلیحات غربی به آنکارا اعتراض کرد، دلایل مقاومت مجارستان هرگز آشکار نشد. استکهلم و هلسینکی سرانجام در روز 4 آوریل سال جاری معرفی شدند.

<twtr.to/OwGq_>

**600 کلمه**

**نیوزویک**

**میکا مک‌کارتنی**

**رهبر جدید ژاپن تسلیحات هسته‌ای و «ناتوی آسیایی» بحث‌برانگیز را پیش می‌برد**

شیگرو ایشیبا، نخست‌وزیر جنگ‌طلب ژاپن، خواستار «نسخه آسیایی ناتو» برای مقابله با تهدیدهای فزاینده همکاری نظامی چین، روسیه و کره شمالی شده است.

سال‌های اخیر شاهد افزایش همکاری‌های دفاعی دوجانبه بین آمریکا، ژاپن و سایر شرکای منطقه‌ای بوده‌ایم که دولت بایدن آن را معماری امنیتی «شبکه‌سازی» نامیده است.

این امر شامل گفت‌وگوهای منظم با ژاپن، هند و استرالیا تحت گروه گفت‌وگوی چهارجانبه امنیتی (یک گفت‌وگوی استراتژیک بین آمریکا، هند، ژاپن و استرالیا است که حفظ مذاکرات بین کشورهای عضو را باعث می‌شود) [QUAD]، ترتیبات آکوس (یک پیمان امنیتی سه‌جانبه بین استرالیا، آمریکا و انگلیس است) با استرالیا و انگلیس و افزایش همکاری بین واشنگتن، توکیو و سئول است.

ایشیبا در مقاله‌ای که برای اندیشکده هادسون واشنگتن دی سی، پیش از ارتقایش به جایگاه فعلی نوشت و این پیشرفت‌ها و دیگر موارد را به‌عنوان موفقیت‌هایش فهرست کرد. با این حال، او فراتر رفت و خواستار یک چارچوب دفاعی متقابل به سبک ناتو برای منطقه شد و گفت که این برای بازدارندگی چین و جلوگیری از درگیری، مانند جنگ بر سر تایوان مورد ادعای پکن، ضروری است.

«در صورت ارتقاء این اتحادها، یک سیستم هاب و گفتار با اتحاد ژاپن و آمریکا در هسته آن ایجاد خواهد شد و در آینده امکان توسعه این اتحاد به نسخه آسیایی ناتو وجود خواهد داشت.» وزیر دفاع سابق نوشت وی هشدار داد: «اوکراین امروز فردای آسیاست.»

ایشیبا در ادامه خواستار بازنگری در موضع هسته‌ای آمریکا در بحبوحه تعمیق روابط نظامی روسیه با کره شمالی شد و گفت که روسیه فناوری هسته‌ای را به کره شمالی منتقل کرده است.

تحلیل‌گران ابراز نگرانی کرده‌اند که ممکن است مسکو در ازای توپ‌خانه و موشک‌هایی که پیونگ‌یانگ نیروهای روسیه را برای تهاجم مداوم آن‌ها به اوکراین تجهیز کرده است، با نظام کیم جونگ اون در زمینه هسته‌ای به اشتراک گذاشته باشد. با این حال، هیچ مدرکی از چنین ترتیبی گزارش نشده است.

اعضای کابینه ایشیبا همان شور و شوق را برای پاسخ آسیایی به ناتو ابراز نکرده‌اند.

تاکشی ایوایا، وزیر امور خارجه ژاپن، روز چهارشنبه به خبرنگاران در توکیو گفت: «من فکر می‌کنم این یک ایده برای آینده است. ایجاد مکانیسمی که تعهدات دفاعی متقابل را در آسیا تحمیل کند، دشوار است.»

مقامات آمریکا نیز با دنیل کریتنبرینک، دستیار وزیر امور خارجه آمریکا در شرق آسیا و اقیانوس آرام مخالفت کرده‌اند و گفته است که این پیشنهاد نسنجیده است.

کریتنبرینک ماه گذشته در رویدادی که توسط اندیشکده مرکز استیمسون برگزار شد، گفت: خیلی زود است که در مورد امنیت جمعی در آن زمینه و نهادهای رسمی‌تر صحبت کنیم. وی افزود: «آنچه که ما روی آن تمرکز کرده‌ایم، سرمایه‌گذاری در معماری رسمی موجود منطقه و ادامه ایجاد این شبکه از روابط رسمی و غیررسمی است.»

با این حال، چین برای سال‌ها پیشنهاد کرده است که استراتژی هند و اقیانوس آرام آمریکا، از جمله گروه‌های گفت‌وگوی چهارجانبه امنیتی و آکوس، بخشی از یک هدف گسترده‌تر برای ایجاد پاسخی منطقه‌ای به بلوک فرا آتلانتیک است.

وانگ یی، وزیر امور خارجه چین در یک کنفرانس مطبوعاتی در سال 2022 گفت: «هدف واقعی استراتژی هند و اقیانوسیه ایجاد یک نسخه هند و اقیانوسیه از ناتو است. این اقدامات انحرافی در تضاد با آرمان‌های مشترک منطقه و محکوم به شکست است.»

ایشیبا گفت، در حالی که ممکن است یک اتحاد رسمی امنیتی چندملیتی به این زودی‌ها آشکار نشود، دولت‌های اخیر حزب لیبرال دموکرات گام‌هایی را در جهت افزایش همکاری امنیتی برداشته‌اند.

او به تفسیر مجدد «شینزو آبه» نخست‌وزیر سابق ژاپن از قانون اساسی پس از جنگ اشاره کرد تا در صورت حمله به یکی از متحدان کلیدی توکیو، «دفاع شخصی جمعی» را مجاز کند. فومیو کیشیدا، نخست‌وزیر تازه مستعفی، برنامه‌هایی را برای مدرن‌‌‌سازی و گسترش بیشتر نیروی دفاع شخصی ژاپن و تعیین هدف جدید هزینه‌های دفاعی 2 درصدی، مطابق با حداقل موردتوافق اعضای ناتو، ارائه کرد.

<twtr.to/Naq2d>

**صفحه سیزدهم (سایر حوزه‌ها)**

**800 کلمه (عکس‌دار)**

**نشنال ریویو**

**ریچارد گلدبرگ**

**پیروزی اسرائیل موفقیتی برای استراتژی بزرگ آمریکا خواهد بود**

حمله راهبردی گسترده ایران به اسرائیل در این هفته در پی نابودی کامل حزب‌الله، سازمان تروریستی تهران توسط اورشلیم صورت گرفت. آمریکا و اسرائیل اکنون به یک انشعاب استراتژیک در این راه رسیده‌اند یعنی نقطه تصمیم‌گیری در مورد چگونگی واکنش.

به‌رغم بهترین تلاش‌های دولت بایدن برای راضی کردن ایران و مهار اسرائیل در چهار سال گذشته و به خصوص در چند ماه گذشته، اسرائیل در نهایت در حال اجرای استراتژی پیروزی برای شکست ایران و محور شر آن در غرب‌آسیا است. نتیجه‌گیری منطقی این استراتژی، نتیجه‌ای است که نه فقط یک برد برای اسرائیل، بلکه یک دستاورد بزرگ برای استراتژی کلان آمریکاست: ایران باید شکست بخورد.

علاوه بر کمک‌های مستمر پدافند موشکی، ما باید تمام پشتیبانی لجستیکی و اطلاعاتی اسرائیل را برای آسیب رساندن به مرگ‌بارترین تهدیدات ایران: زرادخانه موشکی، زیرساخت‌های هسته‌ای و فرماندهی و کنترل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فراهم کنیم. ما همچنین نباید در استفاده از توانایی‌های خود علیه حکومت ایران در پاسخ به هرگونه حمله به منافع آمریکا توسط نیابتی‌هایش از جمله حوثی‌ها تردید کنیم. ناگفته نماند که دوران مماشات بایدن و هریس باید به پایان برسد: آمریکا باید دسترسی ایران به منابع مالی را قطع کند، انزوای سیاسی خود را افزایش دهد و راه‌های خلاقانه و جدید برای حمایت از مردم ایران بیابد.

تهدیدی که تهران به خودی خود مستقیماً برای جهان ایجاد می‌کند، دلیل کافی برای حمایت از اقدام نظامی اسرائیل برای فلج کردن زیرساخت‌های هسته‌ای و موشکی آن، در کنار استراتژی ریگان به رهبری آمریکا برای کمک به مردم ایران برای سرنگونی حکومت اسلامی تندرو خود است؛ اما تحول اخیر آن به مرکز ثقل برای محور جهانی قدرت‌های ضدآمریکایی به رهبری چین، دلیل قانع‌کننده دیگری برای استفاده از این لحظه ارائه می‌کند.

ایران به‌عنوان کشور اصلی حامی تروریسم در جهان، نه تنها غرب‌آسیا را از دریای مدیترانه تا دریای سرخ به آتش کشیده است، بلکه همچنان به طراحی حملات تروریستی علیه میهن آمریکا ادامه می‌دهد.

این همان کاری است که ایران می‌تواند به تنهایی بدون سلاح‌های هسته‌ای و موشک‌های بالستیک قاره‌پیما انجام دهد که البته ایران هر دو را به‌طور جدی دنبال می‌کند. برای اولین بار در 17 سال گذشته، حتی اگر ما شاهد ساخت خط مونتاژ در مقابل چشمانمان بودیم، جامعه اطلاعاتی آمریکا دیگر نمی‌تواند ارزیابی کند که ایران روی سلاح هسته‌ای کار نمی‌کند و پرتاب اخیر ماهواره ایران به ما یادآوری می‌کند که هدف نهایی آن، فراتر از نابودی اسرائیل، نابودی میهن آمریکا است و تا زمانی که سیستم ارسال را برای تحقق وعده بدنام خود، «مرگ بر آمریکا» توسعه ندهد، متوقف نخواهد شد.

توافق برجام سال 2015 اوباما، همراه با بازی اخاذی ایران بود: آمریکا برای تأمین مالی تروریسم و ​​تولید موشک به این امید واهی پرداخت که انجام این کار ممکن است یک رویارویی نظامی را به تأخیر بیندازد. بازگشت بایدن به این استراتژی شکست‌خورده در سال 2021 به ایران اجازه داد تا از کارزار فشار حداکثری ترامپ رهایی یابد.

طی سه سال گذشته، جمهوری اسلامی با افزایش سرسام‌آور بودجه‌های تروریسم به سمت آستانه هسته‌ای حرکت کرد و یارانه‌های تروریستی حماس در ماه‌های قبل از کشتار 7 اکتبر سه برابر شد؛ اما ایران همچنین به یک محور راهبردی برای دو دشمن اصلی آمریکا تبدیل شده است. بنابراین، در صورت فروپاشی حکومت، به یک آسیب‌پذیری استراتژیک برای هر دو تبدیل شده است.

چین برای اداره اقتصاد خود به نفت غرب‌آسیا وابسته است و با عدم اجرای تحریم‌های آمریکا، ایران به‌عنوان پمپ‌بنزین تخفیفی چین ظاهر شده است. پکن خود را به‌عنوان یک دلال در غرب‌آسیا قرار داده است و عربستان و امارات را با وعده میانجیگری با ایران به مدار استراتژیک خود می‌کشاند. پکن امیدوار است که این روابط در آینده به دسترسی به بندر، همکاری در تولید موشک و قراردادهای انرژی هسته‌ای منجر شود.

در همین حال، حمایت ایران از گروه‌های نیابتی تروریستی مانند حوثی‌ها در یمن، به جای انحراف منابع بیشتر به هند و اقیانوس آرام، تمرکز ارتش آمریکا را در غرب‌آسیا منحرف می‌کند و یک ایران مجهز به سلاح هسته‌ای و همسو با چین، یک سیاست بیمه در برابر هرگونه تلاش آمریکا برای قطع عرضه نفت پکن در میانه حمله به تایوان خواهد بود.

روسیه که زمانی در روابط با ایران شریک اصلی بود از جمله ساخت رآکتورهای هسته‌ای و فروش سیستم‌های پدافند هوایی، اکنون برای پهپادها و موشک‌های بالستیک به تهران وابسته است، زیرا جنگ پوتین در اوکراین یک سال دیگر ادامه دارد.

آمریکا این فرصت را دارد که روابط جهانی را به‌نفع ما و غرب شکل دهد. ما باید از لحظه استفاده کنیم.

[twtr.to/99cI5](file:///C:\Users\name\Desktop\twtr.to\99cI5)

**صفحه چهاردهم (سایر اخبار بین‌المللی)**

* رضا پهلوی هم‌زمان با سالگرد حمله تروریستی حماس به اسرائیل، در پیامی خطاب به همسایگان ایران با بیان اینکه مردم نمی‌خواهند ثروتشان توسط جمهوری اسلامی صرف جنگ‌افروزی و تشدید بی‌ثباتی در منطقه شود، خطاب به همسایگان ایران گفت که از تغییر نظام در این کشور نترسند، چرا که «اجازه نخواهیم داد پس از سقوط این حکومت خلأ قدرت به وجود آید».
* گیلا گاملیل، وزیر دانش و فناوری اسرائیل، در واکنش به پیام رضا پهلوی به همسایگان ایران، در ایکس نوشت: مهم است که ملت ایران بداند اسرائیل در کنار آن‌ها ایستاده است. او گفت که مطمئن است روزی که ایران آزاد باشد، دو ملت در صلح کنار هم زندگی می‌کنند و آن روز دور نیست.
* جنت یلن، وزیر خزانه‌داری آمریکا هم‌زمان با نخستین سالگرد حمله تروریستی ٧ اکتبر حماس به اسرائیل، گفت: آمریکا از تمام ابزارهای موجود برای پاسخگو کردن حماس و حامیان آن بهره خواهد گرفت. وزارت امور خارجه آمریکا نیز با انتشار بیانیه‌ای در این ارتباط تصریح کرد: واشنگتن به مختل کردن توانایی تامین‌کنندگان مالی حماس ادامه خواهد داد.
* بایدن در تماس با اسحاق هرتزوگ، رئیس‌جمهور اسرائیل با تاکید بر پایبندی خود به امنیت یهودیان، امنیت دولت یهود و حق موجودیت آن، تصریح کرد که از حق رژیم صهیونیستی برای دفاع از خود در برابر حملات حکومت ایران و «همه گروه‌های تروریستی مورد حمایت آن» از جمله حزب‌الله، حماس و حوثی‌ها پشتیبانی می‌کند.
* ارتش اسرائیل روز دوشنبه ۱۶ مهر پس از انجام بررسی‌های امنیتی، دسترسی عمومی به مناطق اطراف چندین شهرک در شمال غربی این کشور را مسدود کرد. به گفته ارتش اسرائیل مناطق نظامی مسدودشده در امتداد مرز با لبنان شهرهای شلومی، راش هانیکره، حنیتا، عرب العرامشه و ادمیت را در بر می‌گیرد. بسیاری از بخش‌های شمال اسرائیل به دلیل شلیک سنگین راکت‌ها و موشک‌های حزب‌الله لبنان تخلیه شده است.
* لیندزی گراهام، سناتور ارشد جمهوری‌خواه در دیدار با نتانیاهو گفت: چنانچه حکومت ایران به جنگ‌افزار هسته‌ای دست یابد، پرسش این خواهد بود که آیا آن را علیه آمریکا، اسرائیل و یا عربستان به کار خواهد گرفت؟ آمریکا نمی‌تواند به جمهوری اسلامی اجازه دهد به جنگ‌افزار هسته‌ای دست یابد و در این ارتباط به اسرائیل کمک خواهد کرد.
* اتحادیه ضد افترا می‌گوید: گزارش موارد یهودستیزی در آمریکا بعد از حمله سال گذشته حماس به اسرائیل به بالاترین میزان خود رسیده است. این گروه غیردولتی که مقرش در نیویورک است، می‌گوید که از هفتم اکتبر سال 2023 تا 24 سپتامبر امسال،‌ بیش از 10 هزار مورد اقدامات یهودستیزانه گزارش شده که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، 200 برابر بیشتر است. این میزان بالاترین رقمی است که این سازمان از سال 1979 ثبت کرده است.
* جو بایدن با انتشار بیانیه‌ای به مناسبت نخستین سالگرد حمله تروریستی ٧ اکتبر گفت: آمریکا از حق اسرائیل برای دفاع از خود مقابل حملات حزب‌الله، حماس، حوثی‌ها و جمهوری اسلامی ایران دفاع می‌کند. هفته گذشته آمریکا برای دومین بار در دفاع موفقیت‌آمیز اسرائیل از خود مقابل حملات موشکی حکومت ایران به این کشور مشارکت کرد. او افزایش یهودستیزی در آمریکا و جهان را محکوم و بر ضرورت مقابله با آن و تنفر در هر شکلی تاکید کرد.
* ژنرال فرانک مک‌کنزی، فرمانده پیشین فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام)، گزینه‌های «فراوان» پیش‌روی اسرائیل برای پاسخ به حمله موشکی هفته گذشته حکومت ایران به این کشور را به بحث گذاشت.
* آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا گفت: جامعه بین‌المللی حمایت حکومت ایران از گروه‌های تروریستی را محکوم کند.
* بر اساس نظرسنجی جدید واشنگتن پست، در فاصله کمتر از 30 روز تا انتخابات آمریکا، کامالا هریس و دونالد ترامپ برای تصاحب آرای ایالت‌های کلیدی رقابت جدی و تنگاتنگی دارند، به‌طوری که از 7 ایالت تاثیرگذار در نتیجه انتخابات، در 4 ایالت هریس پیشتاز است و در 3 ایالت دونالد ترامپ شانس پیروزی بیشتری دارد. کامالا هریس به ترتیب در ایالات نوادا، میشیگان، پنسلوانیا و ویسکانسین پیشتاز نظرسنجی است و در مقابل دونالد ترامپ در ایالت‌های کارولینای شمالی، آریزونا و جورجیا دست برتر را دارد.
* بر اساس یک پژوهش جدید، آمریکا از زمان آغاز جنگ در نوار غزه دست‌‌کم 19 میلیارد و 900 میلیون دلار به اسرائيل کمک نظامی کرده است. این گزارش که توسط دانشگاه براون انجام گرفته، نشان می‌دهد از زمان حملات 7 اکتبر 2023، حدود 4 میلیارد و 860 میلیون دلار هزینه اضافی برای افزایش عملیات نظامی آمریکا در منطقه نیز هزینه شده است. این شامل هزینه‌های یک کارزار تحت رهبری نیروی دریایی آمریکا برای سرکوب حملات حوثی‌های یمن به کشتی‌های تجاری است.
* عباس عراقچی گفت: اگر دشمن بخواهد جمهوری اسلامی را هدف قرار دهد، پاسخ تندتری دریافت خواهد کرد. طوفان الاقصی تأیید کرد که مردم فلسطین می‌توانند سرنوشت خود را رقم بزنند و دولت ایران تا رسیدن به پیروزی بر حمایت خود از محور مقاومت ثابت‌قدم است.
* «محمدعلی الحوثی»، عضو شورای سیاسی یمن گفت: آمریکا به ملت‌های زیادی حمله و آن‌ها را اشغال کرد، آیا توانست ادامه دهد؟ اسرائیل در روزهای آینده با موشک‌های فراصوت هدف قرار گرفته می‌شود تا آنچه را که ملت فلسطین و یافا چشیده‌اند، بچشد.
* نایب‌رئیس مجلس گفت: در حملات احتمالی بعدی ایران، نوع جدیدی از تکنولوژی دفاعی رونمایی می‌شود.
* گلوبال آی نیوز اعلام کرد: روسیه سیستم ضدهوایی اس-400 را تحویل ایران داده است.
* وزیر خارجۀ اردن گفت: به هیچ طرفی اجازۀ نفوذ به حریم هوایی کشورمان را نخواهیم داد.

**صفحه پانزدهم (سایر حوزه‌ها‌)**

**900 کلمه (عکس‌دار)**

**الشرق‌الاوسط**

**عبدالرحمن الراشد**

**عملیات هفتم اکتبر؛ نابخردی یا اجرای ماموریت؟**

یحی سنوار با راه‌اندازی عملیات هفتم اکتبر اهدافی را برای افراط‌‌‌گرایان اسرائیل براورده کرد که رهبران افراطی این رژیم از جمله بگین و شامیر، نتوانسته بودند محقق کنند. حتی شارون که در سال ۲۰۰۵، شهرک‌ها را تخلیه و با خروج از نوار غزه آن را به تشکیلات خودگردان فلسطین سپرد، نیز موفق نشد چنین دستاورد بزرگی کسب کند.

چرا سنوار چنین اقدام مخاطره‌آمیزی انجام داد؟ هدف از اجرای حمله هفتم اکتبر چه بود و چه کسی پشت این حمله بود؟ آیا این اقدام از روی ناآگاهی انجام شد یا جمهوری اسلامی آن را برنامه‌ریزی کرده بود؟

حمله هفتم اکتبر با کشته شدن بیش از ۴۰ هزار نفر، زخمی شدن بیش از ۲۵۰ هزار تن و آواره شدن چند میلیون نفر دیگر پایان یافت. امروز ساکنان غزه با کمبود شدید غذا و دارو مواجهند و اکثر آن‌ها در روز تنها یک وعده غذا می‌خورند. با نزدیک شدن به فصل سرما و زمستان، این آوارگان به پناهگاه و پتو هم نیاز خواهند داشت. از طرفی حمله سنوار حتی نتوانست یک وجب از سرزمینی را که به گفته او هدف این عملیات بود، آزاد کند. برعکس، این عملیات نافرجام، زمینه را برای گسترش بیشتر نفوذ اسرائیل در فلسطین و منطقه فراهم کرد.

سنوار با اجرای عملیات «طوفان‌الاقصی»، آرمان فلسطین را در سطح بین‌المللی بر باد داد و چنان کار مخاطره‌آمیزی کرد که هیچ‌کس پیش از او‌ از جمله ابونضال که به ریسک‌پذیری معروف بود، انجام نداد. تصاویر کودکان، زنان و سالخوردگان اسرائیلی کشته‌شده در عملیات هفتم اکتبر و تصاویر افراد ربوده‌شده شامل کودکان، نوزادان و کهنسالان، هنوز در اذهان باقی مانده است. البته این موضوع اقدام نتانیاهو در کشتار ساکنان نوار غزه را به هیچ صورتی توجیه نمی‌کند. این یحیی سنوار بود که توانست موج شدیدی از خشم نفرت متقابل را برانگیزد.

سنوار با این حمله، نه‌تنها حماس را به نابودی کشاند، بلکه متحدانش از جمله حزب‌الله لبنان و جنبش جهاد اسلامی را در نوار غزه و کرانه باختری از بین برد.

این واقعیت مسلم نتیجه حمله هفتم اکتبر است، فارغ از اینکه رهبران حماس که خارج از نوار غزه به سر می‌برند، چه می‌گویند. خالد مشعل اعلام پیروزی کرد و ]آیت‌الله[ خامنه‌ای در حالی پیروزی حزب‌الله را اعلام کرد که خود در سوگ صدها تن از رهبران کشته‌شده این گروه‌ نشسته است که نتوانستند برای دفاع از خود گلوله‌ای شلیک کنند.

همان‌طور که بن‌لادن با حملات ۱۱ سپتامبر القاعده را از بین برد، حمله هفتم اکتبر هم حماس، جهاد اسلامی و حزب‌الله را به فروپاشی کامل سوق داد. اگر من هم از هواداران «تئوری توطئه» می‌بودم، شاید نمی‌توانستم مقابل این ایده که سنوار یا همراهان او مامور سرویس مخفی موسادند، مقاومت کنم؛ به‌ویژه اینکه موساد در عرصه نفوذ به سازمان‌های فلسطینی به‌خصوص در زندان‌های اسرائیل، شهرت بسیاری دارد. بنابراین، بعید نیست که حمله هفتم اکتبر برای توجیه آنچه اتفاق افتاد، انجام شده باشد. حقیقت تلخ در رهبری این است که نابخردان همواره از ماموران خطرناک‌ترند.

جنگ‌های حماس به رهبری هنیه، مشعل و شیخ یاسین در قالب یورش‌های کوچک و عملیات‌های محدود مثل حمله با چاقو و ربودن یک یا دو سرباز محدود می‌شد و هدف آن‌ها از این روند با توجه به درکی که از تفاوت توازن قدرت داشتند، تلاش برای زنده نگه‌ داشتن مسئله فلسطین و رسیدن به راه‌حل‌های سیاسی مناسب بود. اما یحیی سنوار روندی را دنبال کرد که تنها با یکی از سه مورد زیر توضیح‌پذیر است:

احتمال اول: او به سازمان القاعده تعلق دارد، نه حماس. او با نفوذ در حماس و تلاش فراوان، خود را به رهبری این گروه رساند. سپس عملیاتی انتحاری انجام داد که هدف از آن، نابودی حماس و سایر گروه‌های جهادی بود، نه آزادی فلسطین. اگر چنین باشد، او عملا به هدف موردنظر رسیده است.

احتمال دوم: ممکن است او هم مانند سایر رهبران حماس به جمهوری اسلامی وابستگی داشته باشد، اما تصمیم گرفت پروژه تهران را بدون چون‌وچرا انجام دهد. جمهوری اسلامی اهداف منطقه‌ای متعددی دارد؛ از جمله تلاش برای توقف طرح گذرگاه تجاری هند، توافق دفاعی و تسلط بر عراق و قصد دارد با تکیه بر پیامدهای حمله هفتم اکتبر به اهداف یادشده برسد. در این‌ صورت، نه جمهوری اسلامی به هدفش رسیده است و نه حماس.

احتمال سوم و اخیر این است که سنوار هیچ آگاهی سیاسی نداشته و از روی نادانی دست به این اقدام زده است. او مانند بسیاری از افراد ساده‌لوح فکر می‌کرد اسرائیل جنگی گسترده را آغاز نخواهد گرفت و برای آزادی گروگان‌ها به مذاکره بسنده می‌کند.

عملیات هفتم اکتبر از نظر نظامی و سیاسی، بساط دو سازمان مسلح مهم در غرب‌آسیا یعنی حماس و حزب‌الله را برای همیشه برچید. این اقدام هرچند به‌نوعی به‌نفع اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی است،  فاجعه انسانی ناشی از آن فراتر از توصیف و تصور است. برای پایان دادن به بحران در غزه و لبنان هیچ راه‌حلی به‌چشم نمی‌خورد، زیرا حدود 5 میلیون نفر آواره شده یا در معرض آوارگی قرار گرفته‌اند و فراهم کردن نیازهای این جمعیت عظیم فراتر از ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی است.

امروز زمان هماهنگی و تلاش برای نجات قربانیان حمله هفتم اکتبر است، به‌ویژه اینکه آن‌ها در این دو جنگ نه رهبر بودند و نه سرباز که در ازای جنایاتشان مجازات شود. افزون بر آن، باید برای مهار اقدام‌های ناشی از تصمیم‌گیری‌های مخاطره‌آمیز سنوار، از جمله خطر بروز جنگ داخلی در لبنان، مهاجرت اجباری میلیون‌ها نفر از ساکنان نوار غزه و افتادن این منطقه به دست اسرائیل، تلاش‌های جدی انجام شود. کمک‌های بشردوستانه هم باید به‌گونه‌ای ارائه شوند تا در پرتو آن‌ها بتوان مسیر تصحیح تصمیم‌های اشتباه چند دهه گذشته در فلسطین و لبنان را هموار کرد.

بدون شک، هفتم اکتبر نقطه عطفی در تاریخ تحولات منطقه است که پیامدهای آن همچنان ادامه دارد.

<ibit.ly/P73iz>